



جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت معارف
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی

تجوید

صنف هفتم

برای مدارس دینی



تجوید — صنف هفتم

کتاب های درسی متعلق به وزارت معارف
بوده خرید و فروش آن ممنوع است.
moe.curriculum@gmail.com

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ. ش.



جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت معارف
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی

تجوید

صنف هفتم

برای مدارس دینی

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ.ش.



مؤلف

میر رفیع اللہ منیب

ایدیت علمی

محمد آصف کوچی

ایدیت زبانی

معاون سر مؤلف عبدالرزاق کوهستانی آمر دیپارتمنت ایدیت

کمیٹہ دینی، سیاسی و فرهنگی

دکتور شیر علی ظریفی رئیس پروژہ انکشاف نصاب تعلیمی.

محمد آصف کوچی

إشراف

- دکتور شیر علی ظریفی رئیس پروژہ انکشاف نصاب تعلیمی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

پیام وزیر معارف

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على رسوله محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين، أما بعد: نصاب تعلیمی معارف اساس نظام تعلیم و تربیه را تشکیل داده و در رشد و توسعه علمی، فکری و سلوکی نسلهای امروز و فردای کشور نقش بنیادی و سرنوشت ساز دارد.

نصاب تعلیمی با گذشت زمان و تحول و پیشرفت در عرصه های مختلف زندگی، مطابق با نیازهای جامعه، باید هم از نظر مضمون و محتوا و هم از نظر شیوه و روش عرضه معلومات، تطور و انکشاف نماید.

یکی از عرصه های نصاب تعلیمی که مورد توجه جدی برای تجدید نظر و بهبود می باشد، نصاب تعلیمات اسلامی است؛ زیرا از یک جانب، فارغان مدارس دینی به حیث پیشوایان معنوی جامعه، باید محور تلاشهای معارف قرار گیرند و از سوی دیگر نصاب تعلیمات اسلامی شامل عقاید، احکام و هدایات دین مبین اسلام است که به حیث نظام و قانون مکمل، تمام ابعاد زندگی انسان ها را در بر گرفته و به عنوان آخرین پیام خالق و پروردگار جهان تا روز قیامت، رسالت رهنمایی و هدایت بشریت را انجام می دهد.

علمای امت اسلامی در طول تاریخ نقش مهمی را در ایجاد، توسعه و غنای سیستم تعلیمات و معارف اسلامی مخصوصاً انکشاف تدریجی نصاب تعلیمی مراکز و مؤسسات علمی جهان اسلام، ایفاء کرده اند.

مطالعه دقیق در سیر تطور تاریخی علوم و معارف اسلامی در جهان نشان می دهد که نصاب تعلیمی مدارس و مراکز علمی ما، همواره بنا بر ضرورت های جامعه و در تطابق با احکام ثابت و پا بر جای دین اسلام، که برای همه انسانها در همه زمانها و مکانها می باشد، توسعه یافته است.

کشور عزیز ما افغانستان با سابقه درخشان علمی، روزگاری مهد علم و دانش و جایگاه بزرگترین مراکز علمی عصر بوده و در شکل گیری تمدن بزرگ اسلامی نقش عظیمی داشته است، وجود هزاران دانشمند و عالم در عرصه های مختلف علم و فرهنگ مخصوصاً در علوم شرعی مانند عقاید، تفسیر، حدیث، فقه، اصول فقه و غیره، گواه واضح آنچه گفته شد می باشد.

همزمان با رشد بیداری اسلامی در عصر حاضر، تعلیمات اسلامی در کشور ما شاهد تحول کمی و کیفی بوده و اطفال و جوانان کشور ما با شوق و رغبت فراوان به طرف مدارس و مراکز تعلیمات اسلامی رو می آورند.

وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان بر اساس مسؤولیت و رسالت خویش، در مطابقت با احکام قانون اساسی کشور، به منظور رشد و توسعه کمی و کیفی تعلیمات اسلامی و از جمله نصاب آن، اقدامات قابل توجه نموده است.

درین راستا وزارت معارف با دعوت از علماء، استادان و متخصصین باتجربه و قابل اعتماد کشور، به بهبود و انکشاف نصاب تعلیمی پرداخته و کتابهای رایج مدارس تعلیمات اسلامی، را با شرح و توضیح متون، جا بجا ساختن فعالیتها، ارزیابی و تمرینها با معیارهای کتب درسی عیار ساخت.

امیدوارم این تلاشهای قابل تمجید علماء و متخصصان وزارت معارف، در بهبود و انکشاف هر چه بیشتر تعلیمات اسلامی در افغانستان عزیز مفید واقع شده و سبب کسب رضای خداوند متعال قرار گیرد.

وبالله التوفیق

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

مقدمه

استادان محترم و شاگردان عزیز!

آموزش تجوید، علم بسیار مفید و نهایت مهم است؛ زیرا درست خواندن قرآن کریم امر خداوند جلّ جلاله است و تلاوت قرآن کریم راه فهمیدن و عمل کردن بر قرآن کریم است.

رعایت قواعد تجوید در فهم قرآن کریم مؤثر است، ادای درست حروف، مراعات اصول مربوط به نون ساکن و مد و شناختن موارد وقف و وصل در افاده معانی سهم مستقیم دارد.

چنانکه بر تدبّر در معانی قرآن کریم و عمل کردن به احکام آن ثواب مرتب می گردد، همینگونه به تلاوت درست قرآن کریم برای مسلمان ثواب داده می شود.

در علم تجوید کتب زیادی نوشته شده که هریک آن خصوصیات خود را دارد؛ ولی بعد از آن که وزارت معارف تصمیم گرفت تا برای مدارس دینی کشور نصاب جدیدی را تهیه نماید که اصالت و معاصرت هر دو در آن مدّ نظر باشد - اصالت به این معنا که نصاب جدید از تراش گذشته قطع نگردیده و معاصرت به این معنا که در تألیف کتابهای نصاب تعلیمی از وسایل معاصر بهره برداری گردد، مفردات آن با توجه به تسلسل بین موضوعات مطابق با پلان درسی بر درس ها تقسیم گردد، فعالیت شاگردان در هر درس وجود داشته باشد، ارزیابی و وظیفه خانه گی در آن آورده شود و تمام این امور با توجه به سویه علمی و نموی ذهنی شاگردان انجام یابد.

کتاب تجوید صنف هفتم از طرف متخصصین نصاب تعلیمی با رعایت معیارهای تعلیمی تألیف گردیده که از خداوند متعال برای آنها اجر مسألت می نمایم، آرزو مندیم که مورد قبول استادان و سبب کسب مفاد علمی شاگردان عزیز قرار گیرد.

والله ولیّ التوفیق

فهرست موضوعات

شماره	عنوان	صفحه	شماره	عنوان	صفحه
۱	مقدمه	۱	۱۸	مخرج های لسان (زبان)	۵۴
۲	علم تجوید	۲	۱۹	شفتان و خیشوم	۶۰
۳	لحن و اقسام آن	۴	۲۰	اقسام تلاوت (تحقیق)	۶۴
۴	آداب ظاهری تلاوت قرآن کریم	۸	۲۱	تدویر و تحذیر	۶۸
۵	آداب باطنی تلاوت قرآن کریم	۱۲	بخش حفظ مقررہ صنف ہفتم		
۶	احکام نون ساکن و تنوین	۱۴			
۷	اظہار	۱۵	۲۲	سورة الفجر	۷۴
۸	ادغام	۱۸	۲۳	سورة البلد	۷۵
۹	اقلاب	۲۲	۲۴	سورة الشمس	۷۵
۱۰	اخفاء	۲۶	۲۵	سورة الليل	۷۶
۱۱	احکام میم ساکن	۳۰	۲۶	سورة الضحی	۷۶
۱۲	احکام میم و نون مشدد	۳۴	۲۷	سورة الشرح	۷۷
۱۳	احکام مدّ اصلی	۳۶	۲۸	سورة التین	۷۷
۱۴	مدّ فرعی	۴۰	۲۹	سورة العلق	۷۸
۱۵	مد لازم	۴۴	۳۰	سورة القدر	۷۸
۱۶	مخارج حروف	۴۶	۳۱	سورة البینة	۷۹
۱۷	دندانها	۵۰	۳۲	سورة الزلزلة	۷۹
			۳۳	سورة العادیات	۸۰
			۳۴	سورة القارعة	۸۰
			۳۵	سورة التکاثر	۸۱
			۳۶	سورة العصر	۸۱

شماره	عنوان	صفحه
۳۷	سورة الهمزة	۸۱
۳۸	سورة الفيل	۸۲
۳۹	سورة قريش	۸۲
۴۰	سورة الماعون	۸۲
۴۱	سورة الكوثر	۸۳
۴۲	سورة الكافرون	۸۳
۴۳	سورة النصر	۸۳
۴۴	سورة المسد	۸۴
۴۵	سورة الإخلاص	۸۴
۴۶	سورة الفلق	۸۴
۴۷	سورة الناس	۸۵

مقدمه

الحمد لله الذي نزل القرآن للذكر و يسره، و الصلاة والسلام على خير البرية محمد عبده و رسوله القائل: «الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَهُوَ مُهَيَّأٌ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ»^(۱) و على آله و أصحابه الَّذِينَ حَفَظُوا الْقُرْآنَ و وعوه في صدورهم المطهرة. اما بعد:

فضیلت و شرافت هر علم تعلق به موضوع همان علم دارد، پس هر قدر که موضوع یک علم شریف و مبارک باشد به همان اندازه علمی که متکفل بحث آن است از فضیلت و شرافت و جایگاه بلند بر خوردار می باشد. و از آنجا که قرآن کریم بهترین و مقدس ترین کتابها و علوم قرآنی مهمترین و ارزشمند ترین علوم به حساب می رود، بدون شک علم تجوید نیز از جمله بهترین و مبارک ترین علمها محسوب می شود؛ زیرا که موضوع آن حروف مطهر و کلمات منور قرآن کریم می باشد.

لهذا سزاوار آن است که هر طالب علم، فکر و ذهن خود را به آن متمرکز نموده، برای فراگیری آن کمر همت ببندد و اوقات گرانبهای عمر خود را صرف تعلم آن نماید.

در رابطه به حکم فراگیری علم تجوید علماء اتفاق دارند که تلاوت قرآن کریم به شیوه درست یعنی همانطوری که بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شده است فرض عین بوده و هر گونه نقص و زیادت کمی و کیفی در آن، گناه کبیره محسوب می گردد.

علم تجوید، در حقیقت شیوه درست خواندن قرآن کریم است که از خود رسول اکرم ﷺ گرفته شده و توسط صحابه کرام به تابعین و سپس به نسلهای بعدی منتقل گردیده تا اینکه به ما رسیده است. بناءً بر هر مسلمان لازم است کوشش کند تا قرآن کریم را همانگونه که پیامبر اکرم ﷺ برای صحابه کرام تلاوت کرده و تعلیم داده است، بخواند و تلاوت کند. البته این کار بدون رعایت قواعد علم تجوید ناممکن است.

کتاب تجوید حاضر که برای صنف هفتم مدارس دینی نوشته شده است، در دو بخش به ترتیب زیر تنظیم گردیده است:

در بخش اول قواعد تجوید به صورت نظری بیان و با ذکر مثالهایی در عمل تطبیق گردیده است و در بخش دوم سوره های نصف آخر جزء سی ام قرآن کریم آورده شده تا طلاب در طول یک سال تعلیمی آنرا حفظ نمایند.

قابل ذکر است که برای مضمون تجوید در یک سال تعلیمی ۵۶ ساعت درسی مقرر می باشد که در یک هفته دو ساعت را احتوا می کند، معلم گرامی ساعت اول هفته را برای تدریس قواعد و معلومات نظری اختصاص دهد و در ساعت دوم همان قواعد گذشته را عملی و بر تطبیق آن تمرکز نماید.

در نوشتن کتاب حاضر از منابع معتبر علم تجوید، از جمله کتاب های زیر استفاده شده است:

۱- تجوید قرآن کریم از محمد صادق قمحاوی.

۲- الدرر الفرید فی شرح قواعد التجوید از شیخ عبد الحق دهلوی.

۳- حلیة القرآن سطح ۲ از سید محسن موسوی بلده.

۴- جمال القرآن از اشرف علی تھانوی.

۵- معلم التجوید للمتعلّم المستفید از قاری محمد شریف رحمهم الله تعالی.

در اخیر از بار گاه الله مهربان مخلصانه استدعا می نمایم که همه استادان و شاگردان علوم قرآنی به ویژه علم تجوید را مشمول مصداق حدیث جامع نبی کریم ﷺ گردانند که فرموده است: «خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَ عِلَّمَهُ». آمین

میر رفیع الله «منیب»

۱- ترمذی آن را با شماره (۱۴۵۶) از عائشة رضی الله عنها روایت نموده و آن را حسن صحیح گفته، و أبوداود، با شماره (۲۹۰۴)، شیخ آلبنی آن را صحیح دانسته است.

علم تجوید

تعریف تجوید

تجوید در لغت نیکو گردانیدن را گویند و در اصطلاح درست ادا کردن حروف، شناختن مخارج و صفات حروف و مراعات نمودن محل وقف و وصل را تجوید گویند.

علم تجوید

علمیست به مجموعه قواعد و اصولی که با رعایت نمودن آنها، قرآن کریم را درست همانگونه که از طرف الله جلّ و علا بر محمد ﷺ نازل شده است میتوان تلاوت نمود.

موضوع علم تجوید

حروف و کلمات قرآن کریم است.

غرض علم تجوید

تصحیح حروف و نگهداری زبان از خطا در ادا و تلفظ قرآن کریم است.

حکم علم تجوید

عمل کردن به قواعد تجوید (خواندن قرآن کریم طبق قواعد تجوید) بر هر مسلمان فرض عین است؛ طوریکه الله تعالی به آن امر نموده است: ﴿وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیلاً﴾^(۱)، و آموختن قواعد آن فرض کفایی می باشد، و بر همین اجماع امت شده است.

۱- مزمل: ۴ "و قرآن را با دقت و تأمل بخوان".

اهمیت علم تجوید

قرآن کریم شامل لفظ و معنی هردو می شود و پیامبر ﷺ همانطور که معنای قرآن کریم را به صحابه کرام آموختند لفظ و طریقه تلفظ آن را نیز آموختند، پس باید قرآن کریم طبق تعلیمات پیامبر ﷺ خوانده شود که این با رعایت کردن قواعد تجوید ممکن می باشد و خلاف قواعد تجوید و اشتباه خواندن را «لحن» گویند.



- ۱- تجوید را معنی نموده اصطلاحاً تعریف نمایید.
- ۲- علم تجوید از چه بحث می کند؟ واضح سازید.
- ۳- غرض و هدف از آموختن علم تجوید چیست؟ معلومات دهید.
- ۴- حکم آموختن قواعد تجوید را بیان کنید.
- ۵- حکم عمل کردن به قواعد تجوید را بیان کنید.
- ۶- علم تجوید چه اهمیت داشته و از چه جایگاهی برخوردار می باشد؟ واضح سازید.



شاگردان در مورد اهمیت علم تجوید مقاله بنویسند که از پنج سطر کم نباشد و در ساعت بعدی جهت ملاحظه استاد با خود در صنف بیاورند.

لحن و اقسام آن

لحن دو قسم است: ۱- لحن جلی ۲- لحن خفی

۱- **لحن جلی:** به معنای اشتباه واضح و آشکارا (که حتی عوام الناس هم به آن پی می برند) است که معنای آیه را تغییر داده و یا ساختار کلمه را مختل می سازد.

انواع لحن جلی

لحن جلی پنج قسم می باشد: ۱- تبدیل حرف به حرف دیگر ۲- ازدیاد حرف ۳- تنقیص حرف ۴- تغییر حرکت به حرکت دیگر ۵- تغییر حرکت به سکون و عکس آن (تبدیل سکون به حرکت).

۱- تبدیل حرفی به حرف دیگر

«ع» را «همزه» خواندن؛ مثلاً: «عَلِيمٌ» را «أَلِيمٌ» خواندن.

یا «ق» را «ک» خواندن؛ مثلاً: «الْمُسْتَقِيمُ» را «الْمُسْتَكِيمُ» خواندن.

۲- کشیدن یک حرف به گونه یی که از آن حرف دیگری تولید شود:

مثلاً در «الْحَمْدُ لِلَّهِ» ضمه «دال» یا کسره «ها» را به صورت مد و کشیده تلفظ

کردن که از آن حروف مد تولید شود «الْحَمْدُ لِلَّهِ».

۳- کاستن یک حرف به گونه یی که کلمه را ناقص کند:

مثلاً در «لَمْ يُولَدْ» واو را ظاهر نکردن و «لَمْ يُلَدْ» خواندن.

۴- تغییر دادن حرکت به حرکت دیگر

مثلاً در «إِيَّاكَ» فتحه کاف را به کسره «إِيَّاكَ» خواندن، یا در «أَنْعَمْتَ» فتحه تا را به ضمه «أَنْعَمْتُ» خواندن.

۵- تغییر دادن حرکت به سکون و یا عکس آن (تغییر سکون به حرکت)
مثلاً در «وَأَجْعَلْنَا» سکون جیم و لام را به فتحه «وَأَجْعَلْنَا» خواندن، یا برعکس آن.

حکم لحن جلی

هریک از اشتباهات فوق و یا امثال آن ها را مرتکب شدن، واقع شدن در «لحن جلی» است، باید از آن ها اجتناب صورت گیرد، زیرا ارتکاب لحن جلی حرام است و حتی در برخی موارد به سبب آن معنا و مفهوم آیه تغییر خورده و سبب فساد نماز می شود.

۲- لحن خفی

لحن خفی به معنای اشتباه پنهانی و خورد است^(۱) که معنای کلمه را تغییر نمی دهد، لیکن حُسن و زیبایی آن را از بین می برد و این عمل بر خلاف اصول و ضوابطی است که در علم تجوید مقرر شده است.

مانند این قاعده: «هرگاه حرف «ر» فتحه یا ضمه داشته باشد پُر خوانده می شود؛ پس در «رَبِّ الْعَالَمِينَ» و در «رُبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ» خلاف قاعده عمل کردن و حرف «را» را باریک خواندن، «لحن خفی» می باشد.

۱- اشتباهی که خواص (علما تجوید) به آن پی می برند نه عوام (از عوام پوشیده است).

حکم لحن خفی

واقع شدن در لحن خفی مکروه می باشد پرهیز کردن از هر گونه خطا و اشتباه در کلام الهی بر همگان لازم است، و این کار بدون فراگرفتن قواعد تجوید و عمل کردن به آن امکان پذیر نیست؛ بناءً فرا گرفتن قواعد تجوید از اهمیت به سزایی برخوردار می باشد.

مشق و تطبیق

شاگردان سورة ذیل را در حضور داشت استاد قرائت، طوری مشق نمایند که از لحن جلی و خفی خالی باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ① الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ② الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ③ مَلِكِ يَوْمِ
الدِّينِ ④ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ⑤ أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ⑥ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ
عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ⑦

سوالات

- ۱- لحن به چند قسم است؟ نام بگیرید.
- ۲- لحن جلی را تعریف کنید.
- ۳- لحن جلی به چند قسم است؟ فقط نام بگیرید.
- ۴- برای لحن جلی ۵ مثال ذکر کنید.
- ۵- لحن خفی را تعریف و یک مثال برای آن بیاورید.
- ۶- حکم لحن جلی چیست؟ با دلیل آن را واضح سازید.



شاگردان ده کلمه‌ی را که مردم در محیط‌شان لحن جلی را مرتکب می‌شوند در کتابچه‌های خود یاد داشت نمایند و درمقابل هم صنفان خود قرائت نموده روش درست تلفظ آنها را نیز نشان دهند.

مقدمه

تلاوت قرآن کریم از افضل ترین اعمال است و تلاوت کننده باید بداند که کتاب مقدس الله متعال را تلاوت می کند و با او تعالی مناجات می کند؛ پس تعظیم و احترام قرآن کریم که در سرفهرست شعائرالله قرار دارد، نشان دهنده تقوای دل بوده، بناءً ضروری است که تلاوت کننده قرآن کریم، آداب را در برابر پروردگار بزرگ و کتاب بزرگش، که برخی از آنها ظاهری و بعض دیگر آن باطنی است، رعایت نماید.

آداب ظاهری

۱- طهارت

پاک بودن از بی وضویی و جنابت، پاکی بدن، لباس، و مکان تلاوت، از تمام پلیدی ها را طهارت گویند؛ چنانکه الله تعالی می فرماید: ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمَطَهَّرُونَ﴾^(۱).

۲- مسواک نمودن.^(۲)

۳- رو به قبله نشستن.

۴- تعوذ:

قرائت را با گفتن "أعوذ بالله من الشيطان الرجيم" آغاز کردن، الله متعال می فرماید: ﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾.^(۳)

۱- [الواقعة: ۷۹] ترجمه: جز پاکان نمی توانند آن را مس کنند. و نیز قراءت قرآن کریم از عباداتی است که باید با طهارت انجام داده شود، و نیز با طهارت تلاوت کردن، نشانه اهما و احترام بیشتر به قرآن کریم است.

۲- ابن ماجه در سنن خود از علی علیه السلام روایت نموده که گفت: «إِنَّ أَفْوَاهَكُمْ طُرُقٌ لِلْقُرْآنِ، فَطَيِّبُوهَا بِالسَّوَاكِ» یعنی دهن های شما راه های برآمدن قرآن کریم است، پس پاکیزه کنید دهن های تانرا با مسواک. شماره حدیث ۲۹۱، شیخ ألبانی این اثر را صحیح گفته است.

۳- [النحل: ۹۸] ترجمه: «پس هنگامی که قرآن می خوانی، به الله پناه ببر از شر شیطان رانده شده». در این آیت به استعاذه امر شده است که از لحاظ قواعد اصول فقه افاده وجوب را می کند، به همین خاطر در ابتداء تلاوت استعاذه واجب می باشد.

۵- تسمیه

خواندن "بسم الله الرحمن الرحيم" در ابتداء تلاوت و در اول سوره به استثنای سوره توبه.

۶- با آرامش و وقار تلاوت نمودن.

۷- با کمال ادب نشستن

زیرا تلاوت کننده اگر الله متعال را دیده نمی تواند، یقین کند که الله متعال او را می بیند و تلاوتش را می شنود، پس کمال ادب را مراعات کند.

۸- با صوت میانه قرائت کردن

نه بسیار بلند و نه بسیار آهسته؛ بلکه با آواز میانه تلاوت کردن.^(۱)

۹- با تحسین صوت و خوش آوازی معتدل، قرائت نمودن:

پیامبر ﷺ می فرمایند: «زَيِّتُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ»^(۲) و نیز فرموده اند: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَتَغَنَّ بِالْقُرْآنِ»^(۳) البته در نظر باید داشت که خوش آوازی با تکلف و لحن همراه نباشد، که در آن صورت مطلوب نه؛ بلکه مذموم است.

۱۰- سجده تلاوت را ادا نمودن

هنگام تلاوت آیت سجده، سجده تلاوت را در همان وقت بجا آوردن.^(۴)

۱- زیرا پروردگار در مورد قرائت نماز می فرماید: {وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافُ بِهَا وَاتَّبِعْ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا} [اسراء: ۱۱۰] ترجمه: «و نمازت را زیاد بلند یا آهسته مخوان و در میان این دو راهی (معتدل) انتخاب کن.» اعتدال در همه چیز مطلوب می باشد و نیز تلاوت کننده نباید سبب آزار کسی شود.

۲- «قرآن کریم را با آوازهای تان زینت ببخشید.» نسایی (۱۰۱۵)، ابن ماجه (۱۳۴۲) و أبوداود (۱۴۷۰) و شیخ البانی آن را صحیح گفته است.

۳- این حدیث را شارحین دو معنی کرده اند: الف: «نیست از ما کسی که خود را به قرآن کریم مستغنی نسازد.» ب: «نیست از ما کسی که قرآن کریم را با خوش آوازی نخواند» و همین است معنای مشهور آن. أبوداود (۱۴۷۱)، و در (شماره ۱۴۷۳) آورده که عبد الجبار بن ورد برای ابن ابی ملیکه که هردو از روایان این حدیث اند گفت: اگر کسی خوش آواز نباشد چه کند؟ ابن ابی ملیکه گفت: بقدر توان آوازش را زیبا بسازد. و در مسلم (۱۸۸۳) آمده است: «مَا أَذِنَ اللَّهُ لشيءٍ مَّا أَذِنَ لِنَبِيِّ حَسَنِ الصَّوْتِ يَتَغَنَّى بِالْقُرْآنِ يَجْهَرُ بِهِ» یعنی الله به اندازه که برای یک پیامبر حسین الصوت اجازه خوش آوازی به قرآن کریم و بلند کردن صدا داده است برای هیچ چیزی به این اندازه اجازه نداده است.

۴- در صورتیکه کدام مشکل نباشد، در غیر آن می تواند که در وقت مناسب دیگر ادا کند. روش ادا آن اینست که به دل چنین قصد کند: نیت کردم ادا سازم سجده تلاوت را که بر من واجب گردیده است، الله اکبر گفته بدون بلند کردن دستها مستقیما به سجده رفته یک سجده کند، دو باره الله اکبر گفته بلند شود و بس، البته در سجده "سبحان ربی الاعلی" گفتن هم درست است، اما گفتن "سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ بِحَوْلِهِ وَقُوَّتِهِ"، چنانچه همین در حدیث آمده است بهتر است. نظر شود سنن ابی داود (۱۴۱۶) و ترمذی (۵۸۰)، شیخ البانی آنرا صحیح دانسته است.

۱۱- قرآن کریم را در جای بلند نهادن
قرآن کریم را در مکان بلند و از همه بالاتر نهادن؛ زیرا قرآن کریم از همه بالاتر
است.

مشق و تطبیق

شاگردان سوره ذیل را طوری مشق نمایند که آداب ظاهری تلاوت در آن کاملاً مراعات
شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَالصُّحْحَىٰ ① وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ ② مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ ③ وَلِلْآخِرَةِ
خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ ④ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ ⑤ أَلَمْ يَجِدْكَ
يَتِيمًا فَآوَىٰ ⑥ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ ⑦ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ
⑧ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ⑨ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ⑩ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ
فَحَدِّثْ ⑪﴾

سوالات

- ۱- آداب تلاوت قرآن کریم از چه جایگاهی بر خوردار است؟ معلومات دهید.
- ۲- طهارت از کدام نوع آداب بوده و دلیل ضروری بودن آن چیست؟ واضح سازید.
- ۳- خواندن "أعوذ بالله من الشيطان الرجيم" در ابتدای قرائت چه حکم دارد؟ بیان نمایید.
- ۴- خواندن "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" در ابتدای قرائت چه حکم دارد؟ بیان نمایید.
- ۵- تلاوت کننده قرآن کریم چطور بنشیند و چه وضع و رفع را به خود اختیار

کند؟ معلومات دهید.

۶- طریقه ادا کردن سجده تلاوت را عملاً انجام دهید.



شاگردان پنج ادب از آداب ظاهری تلاوت قرآن کریم را در کتابچه های شان نوشته در ساعت بعدی جهت ملاحظه به استاد محترم نشان بدهند.



آداب باطنی تلاوت قرآن کریم

۱- اخلاص داشتن در تلاوت:

خواندن قرآن کریم برای مسلمان بزرگترین عبادت است و عبادت بدون اخلاص مقبول نیست.^(۱)

۲- عمل کردن به احکام قرآن کریم

قاری قرآن کریم همانطور که حروف قرآن کریم را تصحیح می کند باید حدودش را نیز حفظ کرده، حلالش را حلال و حرامش را حرام بداند و احکام آن را ضایع نکند؛ زیرا تنها خواندن هدف نیست.

۳- با تدبر تلاوت نمودن

تلاوت کننده باید قرآن کریم را با تدبر و تفکر تلاوت کند و از آن پند پذیر شود، الله متعال می فرماید: ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾.^(۲)

۴- با امید و بیم تلاوت نمودن

هرگاه تلاوت کننده آیتی را تلاوت کند که در آن نعمت های اخروی، رحمت های الهی و جنت یاد شده باشد، از الله طلب کند و بخواهد که از آن نعمت ها بهره کامل نصیبش فرماید، و چون آیت عذاب را تلاوت کند به ذات اقدس الهی از آن پناه ببرد.^(۳)

۱- الله تعالی می فرماید: ﴿فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾ [زمر: ۲] ترجمه: «پس الله را پرستش کن در حالی که خالص گرداننده برای او دین را».

۲- [ص: ۲۹] ترجمه: «این کتابی است پر برکت که بر تو نازل کرده ایم تا در آیات آن تدبر کنند و صاحبان مغز (و اندیشه) پند پذیر شوند».

۳- حدیثی از نبی کریم ﷺ روایت کرده که: «كَانَ إِذَا مَرَّ بِآيَةِ رَحْمَةٍ سَأَلَ، وَإِذَا مَرَّ بِآيَةِ عَذَابٍ اسْتَجَارَ» از عادت نبی کریم ﷺ بود که هرگاه بر آیت رحمت مرور می کرد از الله سوال می کرد (آن رحمت را می خواست) و وقتی که بر آیت عذاب مرور می کرد از الله پناه می خواست. نظر شود به سنن ابن ماجه (۱۳۱۵) و سنن نسایی (۱۰۰۹)، شیخ البانی آنرا صحیح دانسته است.

شاگردان سوره ذیل را طوری مشق نمایند که آداب باطنی تلاوت در آن کاملاً مراعات شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ ١ ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ﴾ ٢ ﴿أَقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ﴾ ٣ ﴿الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ ٤ ﴿عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾ ٥ ﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ﴾ ٦ ﴿أَن رَّاهُ أَسْتَفْخَىٰ﴾ ٧ ﴿إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ﴾ ٨ ﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ﴾ ٩ ﴿عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ﴾ ١٠ ﴿أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَىٰ الْهُدَىٰ﴾ ١١ ﴿أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ﴾ ١٢ ﴿أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ﴾ ١٣ ﴿وَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ﴾ ١٤ ﴿كَلَّا لَئِنْ لَّمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ﴾ ١٥ ﴿نَاصِيَةٍ كَذِبَةٍ خَاطِئَةٍ﴾ ١٦ ﴿فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ﴾ ١٧ ﴿سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ﴾ ١٨ ﴿كَلَّا لَا نُطِيعُكَ وَأَسْجُدُ وَاقْتَرِبُ﴾ ١٩ ﴿﴾ ٢٠

سؤالات

- ۱- دلیل ضروری بودن اخلاص در تلاوت را ذکر کنید.
- ۲- اهمیت عمل کردن به احکام قرآن کریم را ذکر کنید.
- ۳- آیت ذیل را ترجمه نمایید. ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾.

- ۴- دلیل با تدبر تلاوت کردن را ذکر کنید.
- ۵- ادب با امید و بیم تلاوت کردن را شرح دهید.

کارخانه گی

شاگردان پنج ادب از آداب باطنی تلاوت قرآن کریم را در کتابچه های شان نوشته در ساعت بعدی جهت ملاحظه به استاد محترم نشان بدهند.

۱- در آخر این سوره، سجده است، لذا سجده تلاوت تحت نظر استاد توسط یکی از شاگردان عملاً ادا گردد.

احکام نون ساکن و تنوین

نون ساکن

عبارت از نون است که سکون آن در حالت وصل و وقف، در خط و لفظ ثابت میماند. مانند نون "مِنْ"، «أَنْعَمْتَ» و «أَنْصَارٍ».^(۱)

تنوین

تنوین در لغت به معنای منون (نون دار کردن کلمه) است. و در اصطلاح عبارت است از نون ساکن زایدی که در آخر کلمه در حالت وصل ملحق شده و تنها در لفظ به صورت نون تلفظ می شود و در خط به شکل دو زیر، دو زیر و دو پیش (ـِ) نوشته می شود، مانند: «وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا»

«فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ»

«وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»

فرق نون ساکن و تنوین

نون ساکن و تنوین گرچه در احکام یکی اند؛ اما در چند چیز با هم فرق دارند که ذیلا بیان می گردد:

۱- نون ساکن هم در وسط کلمه می آید و هم در آخر کلمه^(۲)؛ اما تنوین در آخر کلمه می آید و بس.

۲- نون ساکن در لفظ و خط، ثابت می ماند، اما تنوین تنها در لفظ ظاهر می شود و در خط به صورت دو زیر، دو زیر و دو پیش (ـِ) نوشته می شود.

۳- نون ساکن در وصل و وقف ثابت می ماند؛ اما تنوین فقط در وصل ثابت می ماند.

۱- قید هایی که در تعریف ذکر شد همه احترازی اند: از قید "نون ساکنی است" نون متحرک مخففه، مانند نون {نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ} [زخرف: ۳۲] و نیز نون مشدده، مانند نون {الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ} [الناس: ۶] خارج شد. و به قید "ثابت می ماند" خارج شد آن نون ساکنی که سکون آن بخاطر دفع التقاء ساکنین زایل می شود، مانند نون {إِنِ ارْتَبْتُمْ} [الطلاق: ۴] و {إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ} [الجن: ۲۷] و به قید "در حالت وصل و وقف" خارج شد نونی که بسبب وقف بر او، ساکن شده باشد، مانند نون {نَشْتَعِينُ} [الفاتحة: ۵].

۲- در آغاز کلمه نمی آید تا ابتدا به ساکن لازم نیاید که آن دشوار و متعذر می باشد.

احکام نون ساکن و تنوین

نون ساکن و تنوین چهار^(۱) حکم دارد:

۱- اظهار ۲- ادغام ۳- اقلاب ۴- اخفاء.

اظهار

تعریف اظهار

اظهار در لغت به معنای آشکار کردن است و در اصطلاح عبارت است از بر آوردن حرف از مخرجش در وقت تلفظ به طور آشکارا و بدون هیچ تغییری.^(۲)

حروف اظهار

حروف اظهار عبارت است از همان شش حرف حلقی که شاعر آنها را در بیت ذیل جمع کرده است:

حرف حلقی شش بود ای با وفا همزه وها، عین و حا و غین و خا
هر گاه یکی از این حروف بعد از نون ساکن و یا تنوین بیاید، باید نون ساکن و یا تنوین آشکارا با تمام خصوصیات شان تلفظ شوند.^(۳)

۱- احکام چهار گانه را برخی به صورت نظم در آورده اند:

تنوین و نون ساکن حکمش بدان ای هوشیار کز حکم آن زینت بود اندر کلام کردگار
در حرف حلق اظهار کن، در یرملون ادغام کن در حرف با قلب به میم، در ما بقی اخفاء یار

۲- یعنی زبان کاملاً به محل حرف نون چسبیده و این حرف به صورت ساده و بدون هیچ تغییری ادا شود.

۳- علت اظهار در اینجا بُعد و دوری مخرج نون ساکن و تنوین از حروف حلقی می باشد، زیرا مخرج نون ساکن و تنوین سر زبان است که به لثه و کام بالا متصل می شود، اما حروف حلقی همه از حلق خارج می شوند، لذا درجه های اظهار به شرح ذیل متفاوت می باشد:

اعلی: قبل از همزه وها در نون ساکن و تنوین بالاترین درجه اظهار می شود.

اوسط: قبل از عین و حا در نون ساکن و تنوین در حد متوسط اظهار می شود.

ادنی: قبل از غین و خا در نون ساکن و تنوین پایین ترین درجه اظهار می شود.

جدول اظهار نون ساکن و تنوین قبل از حروف حلقی

حروف اظهار	اظهار نون ساکن در یک کلمه	اظهار نون ساکن در دو کلمه	مثال های اظهار تنوین
همزه	﴿يَنَّاوُنْ﴾	﴿مَنْ آمَنْ﴾	﴿وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا﴾
ها	﴿يَنهَوْنَ﴾	﴿مَنْ هَاجَرَ﴾	﴿وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾
عين	﴿أَنعَمْتَ﴾	﴿إِنْ عَلَيْكَ﴾	﴿إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ﴾
حا	﴿يَنحِتُونَ﴾	﴿مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾	﴿وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾
غین	﴿فَسَيُغْضَوْنَ﴾	﴿مِنْ غِلٍّ﴾	﴿إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ﴾
خا	﴿الْمُنْحَنِقَةُ﴾	﴿مِنْ خَيْرٍ﴾	﴿إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾

مشق و تطبیق

شاگردان سورة ذیل را مشق نموده، موارد ذکر شده را در آن شناسایی و تطبیق نمایند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ ۝ (۱) رَسُولٌ مِنْ اللَّهِ يُلَوِّحُ صُحُفًا مُطَهَّرَةً ۝ (۲) فِيهَا كُتِبَ قِیمَةٌ ۝ (۳) وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ ۝ (۴) وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِیمَةِ ۝ (۵) إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ۝ (۶) إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ۝ (۷) جَزَاءُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ يَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ۝ (۸)﴾

سوالات

- ۱- نون ساکن و تنوین را تعریف نمایید.
- ۲- دو مثال برای نون ساکن و دو مثال برای تنوین ذکر کنید.
- ۳- نون ساکن و تنوین از هم چه فرق دارند؟ نام بگیرید.
- ۴- نون ساکن و تنوین چند حکم دارد؟ فقط نام بگیرید.
- ۵- اظهار را تعریف و حروف آن را نام بگیرید.
- ۶- شش مثال برای اظهار نون ساکن در یک کلمه ذکر کنید.
- ۷- شش مثال برای اظهار نون ساکن در دو کلمه ذکر کنید.
- ۸- شش مثال برای اظهار تنوین ذکر کنید.

کارخانه گسی

شاگردان شش مثال برای اظهار نون ساکن در یک کلمه و شش مثال در دو کلمه و شش مثال برای اظهار تنوین - غیر از مثال های ذکر شده - در کتابچه هایشان نوشته کرده در ساعت بعدی جهت ملاحظه استاد در صنف بیاورند.

ادغام

تعریف ادغام

ادغام در لغت به معنای ادخال و در آوردن است و در اصطلاح عبارت است از داخل کردن حرف ساکن در حرف متحرک، به گونه‌ای که در تلفظ به صورت یک حرف مشدد در آیند و برای تلفظ کردن آن دو حرف، فقط یکبار زبان از جای خود بر خیزد و به حرکت در آید.

حروف ادغام

حروف ادغام عبارت از شش حرف است که در کلمه "يَرْمَلُونَ" جمع شده است. هرگاه یکی از حروف "يَرْمَلُونَ" بعد از نون ساکن و یا تنوین واقع شود، نون ساکن و یا تنوین در آن حرف ادغام می‌شود، به این معنی که نون ساکن و تنوین به آن حرف تبدیل شده و از آن یک حرف مشدد ساخته می‌شود.^(۱)

اقسام ادغام

ادغام دو قسم است: ۱- باغنه ۲- بدون غنه.

ادغام با غنه

هرگاه یکی از چهار حرف "يَنْمُو" بعد از نون ساکن و یا تنوین در کلمه دیگر واقع شود، ادغام مع الغنه می‌شود.^(۲)

ادغام باغنه را ادغام ناقص نیز گویند، از آن جهت که خود نون ساکن و تنوین از بین می‌رود، اما صفت و اثر آن که عبارت از غنه است باقی می‌ماند.

مثال های ادغام نون ساکن در حروف "يَنْمُو" (مع الغنه)

﴿مَنْ يَقُولُ﴾، ﴿إِنْ نَقُولُ﴾، ﴿مَنْ مَاءٍ﴾ و ﴿مِنْ وَلِيٍّ﴾

مثال های ادغام مع الغنه تنوین در حروف "يَنْمُو"

﴿يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمْ﴾، ﴿مَلِكًا نُّقَاتِلُ﴾، ﴿فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ و ﴿يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ﴾

۱- نون ساکن و تنوین را "مُدغم" و حرف "يَرْمَلُونَ" را "مُدغم فیه" گویند.

۲- یعنی ادغام با آوازی که از خیشوم (بُن و بیخ بینی) بر می‌خیزد ادا می‌شود، باید دانست که صفت غنه از حرف دوم است نه از حرف اول.

تبصره

اگر یکی از این حروف چهارگانه "يَنُمُو" در ضمن يك کلمه پس از نون ساکن واقع شود، اظهار می شود نه ادغام.^(۱)

این نوع اظهار فقط در چهار کلمه قرآن کریم به چشم می خورد، که عبارت اند از: «الدُّنْيَا»، «بُنْيَانٌ»، «فِتْنَانٌ» و «صِنَوَانٌ»^(۲)

ادغام بدون غنه

ادغام بدون غنه دارای دو حرف است:

لام و را که در "لَرَّ" جمع شده است.

هرگاه یکی از دو حرف "لَرَّ" بعد از نون ساکن و یا تنوین واقع شود، نون ساکن و یا تنوین در آنها ادغام بدون غنه می شود. یعنی نون ساکن و تنوین به لام و را تبدیل شده بعدا "ل" در "ل" و "ر" در "ر" مدغم شده و بدون غنه ادا می شود. این ادغام را، ادغام کامل گویند؛ زیرا که هم خود حرف (نون ساکن و تنوین) با این ادغام از بین می رود و هم صفت و اثر آنها (غنه) و کاملاً به "ل" و "ر" مبدل می گردند.

مثال های ادغام نون ساکن در حرف "ل":

«وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ» و «مَنْ لَدُنْهُ»

مثال های ادغام تنوین در حرف "ل":

«هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»، «يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ»

مثال های ادغام نون ساکن در حرف "ر":

«مِنْ رَبِّهِمْ» و «كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ».

مثال های ادغام تنوین در حرف "ر":

«مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا» و «إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَّوُوفٌ رَّحِيمٌ».^(۳)

۱- این اظهار را اظهار مطلق گویند، زیرا که مقید به حروف حلقی نیست.

۲- علت عدم ادغام نون ساکن در "یا" و "واو" در مثال های فوق با آنکه "یا" و "واو" پس از نون ساکن واقع شده اند اینست که اگر ادغام کنیم، این الفاظ با کلمات مضاعف (آنکه حرف اصلیش مکرر باشد) اشتباه خواهد شد، مثلاً اگر به جای "صِنَوَانٌ" "صَوَانٌ" و به جای "الدُّنْيَا" "الدُّنْيَا" بخوانیم، معلوم نخواهد شد که "صَوَانٌ" از ریشه "صَوَّ" است یا از ریشه "صَو" و نیز مشخص نخواهد شد که "الدُّنْيَا" ریشه "الدُّنْيَا" است یا از ریشه "الدُّنْيَا". لذا باید نون ساکن را در مثال های فوق اظهار کرد تا از چنین اشتباه و ابهام جلوگیری بعمل آید.

۳- از قاعده ادغام "نون" در "را" این قول الله تعالی: «وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ» [القیامة: ۲۷] بنا بر روایت امام حفص رحمه الله مستثنی می

شاگردان سوره ذیل را مشق نموده، موارد ادغام را در آن شناسایی و تطبیق نمایند.^(۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾ ۱ ﴿وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾ ۲ ﴿وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ﴾ ۳ ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ﴾ ۴ ﴿أَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ﴾ ۵ ﴿يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَا لَا بَدَأَ﴾ ۶ ﴿أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ﴾ ۷ ﴿أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ﴾ ۸ ﴿وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ﴾ ۹ ﴿وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ﴾ ۱۰ ﴿فَلَا اقْنَحُمُ الْعَاقِبَةَ﴾ ۱۱ ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَاقِبَةُ﴾ ۱۲ ﴿فَكُ رَقَبَةٌ﴾ ۱۳ ﴿أَوْ إِطْعَمٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ﴾ ۱۴ ﴿يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ﴾ ۱۵ ﴿أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ﴾ ۱۶ ﴿ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَوَصَّوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ﴾ ۱۷ ﴿أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ﴾ ۱۸ ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَلَتْنَاهُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ﴾ ۱۹ ﴿عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤَصَّدَةٌ﴾ ۲۰ ﴿

باشد (یعنی "نون" در "را" ادغام نمی شود) و سبب آن سکنه بر نون "مَنْ" است، زیرا سکنه مانع ملاقات "نون" با "را" می شود و بدون ملاقات یک حرف با حرف دیگر ادغام یکی در دیگر امکان پذیر نیست. و نیز بنا بر یک طریق از امام حفص رحمه الله از قاعده ادغام نون ساکن در واو، دو مورد مستثنی می باشند: ۱- ﴿تَ وَالْقَلْبِ وَمَا يُسْطَرُونَ﴾ ۲- ﴿يَسْ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ﴾ [یس : ۱-۲] در صورت وصل حروف مقطعات به آیه بعد، که در این دو جا نون ساکن در حرف واو ادغام نمی شود، بلکه اظهار می شود، این طریق شاطبی است، البته به طریق جزری می توان با ادغام خواند.

۱- علت ادغام نون ساکن و تنوین در حروف "يُرْمَلُونَ":

الف- در "نون": علت ادغام نون ساکن و تنوین در "نون" تماثل (اتحاد آنها در مخرج و صفات) است، زیرا که نون پس از نون ساکن و تنوین واقع شده است.

ب- در "واو" و "یا": علت ادغام نون ساکن و تنوین در "واو" و "یا" تجانس (مجانست آنها در صفات) است، زیرا نون ساکن و تنوین با "واو" و "یا" در صفات افتتاح، استفال و جهر (تفصیل این صفات در بحث صفات إن شاء الله خواهد آمد) شریک است.

ج- در "میم": علت ادغام نون ساکن و تنوین در "میم" اینست که هردو با غنه ادا می شوند لذا قریب المخرج اند (غنوی اند و مخرج همه خیشوم است).

ی- در "لام" و "را": علت ادغام نون ساکن و تنوین در "لام" و "را" تقارب مخرج و شباهت آنها در اکثر صفات نسبت به یکدیگر است (همه لثوی اند).

البته بخاطر مبالغه در تخفیف قراءت و سبک و آسان خواندن عبارت، ادغام نون ساکن و تنوین در لام و را بدون غنه انجام می گیرد. فایده ادغام:

فایده ادغام سهولت در کلام است، زیرا اگر قرار باشد حرفی یک بار تلفظ شود و سپس مخرج حرف باز شده و مجدداً همان حرف یا حرف شبیه و نزدیک به آن تلفظ گردد، این عمل برای آله تَکَلَّمَ ثَقِيلٌ تمام خواهد شد. مثلاً: تَکَلَّمَ "قُلْ لَهُمْ" - وَدَّتْ طَائِفَةٌ بدون ادغام بسیار ثقیل است به نسبت تَکَلَّمَ "قُلْ لَهُمْ" - وَدَّتْ طَائِفَةٌ در صورت ادغام لام در (قُلْ لَهُمْ) و تا در طائِفَةٌ.

- ۱- ادغام را تعریف نمایید.
- ۲- حروف ادغام کدام ها اند؟ نام بگیرید.
- ۳- ادغام چند نوع است؟ هریک را نام بگیرید.
- ۴- در حروف "ینمو" کدام نوع ادغام می شود؟ واضح سازید.
- ۵- در دو حرف "لر" کدام نوع ادغام می شود؟ نام گرفته و با مثال واضح سازید.
- ۶- در کلمات «الدنيا»، «بُنيَانٌ»، «قِنَوَانٌ» و «صِنَوَانٌ» دلیل عدم ادغام نون ساکن در حروف مابعد آن را ذکر کنید.
- ۷- حروفی را که در آن ها ادغام می شود در آیات ذیل مانند مثال زیر نشانی کنید.

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَن يَخْشَى﴾

﴿مَلْعَا لَكُمْ وَلَا تَعْمِكُمْ﴾ (۳۲) فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى (۳۴) يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَنُ مَا سَعَى (۳۵)
وَبُرْزَتِ الْجَحِيمُ لِمَن يَرَى (۳۶) فَأَمَّا مَنْ طَغَى (۳۷) وَءَاثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۳۸) فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى
(۳۹) وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى (۴۰) فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى (۴۱) يَسْتَلُونَكَ
عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا (۴۲) فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرهَا (۴۳) إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْهَهَا (۴۴) إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ مِّنْ
يَخْشَاهَا (۴۵) كَانَتْهُمْ يَوْمَ يُرَوَّنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا (۴۶) ﴿



شاگردان شش کلمه را که در آنها ادغام قابل اجرا می باشد، در کتابچه های شان بیرون نویس کرده در ساعت بعدی جهت ملاحظه استاد با خود در صنف بیاورند.

اقلاب

تعریف اقلاب

اقلاب در لغت به معنای قلب کردن و تبدیل نمودن است و در اصطلاح عبارت است از تبدیل نمودن نون ساکن به میم.^(۱)

حرف اقلاب

اقلاب دارای یک حرف "ب" می باشد.
هرگاه پس از نون ساکن و یا تنوین حرف "ب" قرار گیرد، نون ساکن و یا تنوین به میم بدل شده با غنه ادا می گردد.^(۲)

مثال های اقلاب

الف- مثال اقلاب نون ساکن به میم در یک کلمه:

﴿قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ﴾

﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ

سُنْبُلَةٍ مِئَّةٌ حَبَّةٌ﴾.

۱- در تلفظ، نه در کتابت، زیرا در نوشته خود نون هم نوشته می شود گرچه در بعض چاپ ها میم کوچکی هم بالای نون نوشته می شود.

۲- طریقه اداء اقلاب و اخفاء شفوی (که بعد از میم ساکن حرف "ب" واقع شود) یکی می باشد و آن اینکه قسمت خشکی لب ها به نرمی متصل شوند و به اندازه یک الف غنه صورت گیرد، سپس از تری لب ها حرف "ب" ادا شود. در بعضی از چاپ های قرآن کریم جهت سهولت و تشخیص اقلاب، بعد از نون ساکن و تنوین، میم کوچکی به این شکل نوشته شده است: { فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ } [البقرة: ۳۳].

ب- مثال اقلاب نون ساکن به میم در دو کلمه:

﴿مِنْ بَعْدِهِمْ﴾، ﴿فَمَنْ بَدَّلَهُ﴾ و ﴿أَنْ بُورِكَ﴾.

ج- مثال اقلاب تنوین به میم:

﴿بَغِيًّا بَيْنَهُمْ﴾، ﴿إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ و ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾

﴿كَأَلَّا لَنْ لَمْ يَنْتَه لَنْسَفَعًا بِالنَّاصِيَةِ﴾.^(۱)

﴿وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾

مشق و تطبیق

شاگردان آیات ذیل را مشق نموده، موارد اقلاب را در آنها شناسایی و تطبیق نمایند.

﴿وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾

﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَيْهَا ۖ ﴿۱۱﴾ إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا ۖ ﴿۱۲﴾ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ

وَسُقْيَاهَا ۖ ﴿۱۳﴾ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا ۖ ﴿۱۴﴾

وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ۖ ﴿۱۵﴾﴾

۱- نون تاکید خفیفه در آخر فعل بصورت تنوین نوشته می شود، اگر بعد از آن حرف "ب" واقع شود اقلاب می شود، چنین تلفظ می شود { لَنْسَفَعُمْ بِالنَّاصِيَةِ }

﴿وَأَمَّا مَنْ يَحِلَّ وَأَسْتَغْنَى﴾

﴿الَّذِي يَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ ﴿١٤﴾ كُلَّ لَيْلٍ لَّمْ يَنْتِهِ لَسَفْعًا بِالنَّاصِيَةِ﴾

﴿وَمَا نَفَرَكَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَةُ﴾

﴿إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ﴾

﴿كَلَّا لَيُبَدِّلَنَّ فِي الْخُطْمَةِ﴾

﴿تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ﴾

سوالات

- ۱- اقلاب را تعریف و حرف آن را نام بگیرید.
- ۲- طریقه ادا کردن اقلاب را عملاً انجام دهید.
- ۳- دو مثال برای اقلاب نون ساکن به میم در یک کلمه ذکر کنید.
- ۴- دو مثال برای اقلاب نون ساکن به میم در دو کلمه ذکر کنید.
- ۵- دو مثال برای اقلاب تنوین به میم ذکر کنید.
- ۶- در آیت ذیل محل اقلاب را نشان دهید. ﴿بَايَ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾
- ۷- پیش روی عبارت ذیل علامت صحیح (✓) یا غلط (x) را بگذارید: "در کلمه های ﴿سُنْبُلَةٌ﴾ ﴿وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾ اخفاء صورت می گیرد () .



شاگردان پنج آیتی را که در آنها اقلاب صورت می گیرد در کتابچه های
شان بیرون نویس کرده در ساعت بعدی جهت ملاحظه استاد با خود در
صنف بیاورند.

اخفاء

تعریف اخفاء

اخفاء در لغت به معنای مخفی کردن و پوشانیدن است و در اصطلاح عبارت است از حالتی بین اظهار و ادغام همراه با غنه.

یعنی نه مانند اظهار، حرف از مخرج خود ادا می شود و نه مانند ادغام حرف بعدی را مشدد می سازد، بلکه فقط غنه آن از فضای بینی خارج می شود.

حروف اخفاء

بغیر از حروف اظهار، ادغام، اقلاب و (الف)^(۱)، پانزده حرف دیگر همه حروف اخفاء اند که عبارت اند از: (ص ذ ث ک ج ش ق س د ط ز ف ت ض ظ). این حروف در آغاز کلماتِ بیتِ زیر آمده است:

صِفْ ذَا ثَنَا كَمْ جَادَ شَخْصٌ قَدْ سَمَا دُمٌ طَيِّبًا زِدْ فِي تُقَى ضَعْ ظَالِمًا.^(۲)

هرگاه بعد از نون ساکن و یا تنوین یکی از حروف فوق واقع شود در آن صورت اخفاء می شود.^(۳)

۱- چون الف بعد از نون ساکن و تنوین قرار نمی گیرد، لذا هیچ یک از احکام فوق (اظهار، ادغام، اقلاب و اخفاء) به آن تعلق نمی گیرد.

۲- ترجمه: «بیان کن ای صاحب ثنا! چقدر کوشش و جدیت کرد کسی که بالا رفت و اوج گرفت! دائما خوب باش! بر تقوی بیفزای! ترک کن ظالم را!».

۳- علت اخفاء نون ساکن و تنوین این است که حروف اخفاء، نه آنقدر از "ن" دور اند (مانند دوری حروف حلقی) تا نزد آنها اظهار شود و نه آنقدر نزدیک اند (مانند نزدیکی حروف "یرملون") تا در آنها ادغام گردد؛ پس لازماً میان این دو ادا می گردند.

جدول مثال های اخفای نون ساکن و تنوین قبل از حروف اخفاء^(۱)

حروف اخفاء	اخفاء نون ساکن در یک کلمه	اخفاء نون ساکن در دو کلمه	اخفاء تنوین
ص	﴿فَإِذَا فَرَعْتَ فَإَنْصَبْ﴾	﴿أَنْ صَدُّوكُمْ﴾	﴿وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا﴾
ذ	﴿فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى﴾	﴿مِنْ ذَكَرْ﴾	﴿يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ﴾
ث	﴿مَثُورًا﴾	﴿مَنْ ثَقُلَتْ﴾	﴿مَاءَ ثَجَّاجًا﴾
ك	﴿وَوَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ﴾	﴿وَإِنْ كَانَ﴾	﴿قَالُوا تِلْكَ إِذَا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ﴾
ج	﴿فَأَنْجَيْنَاهُ﴾	﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ﴾	﴿وَتُحْيُونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا﴾
ش	﴿إِذَا السَّمَاءُ انْشَقَّتْ﴾	﴿فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَهُ﴾	﴿وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾
ق	﴿وَإِذَا انْقَلَبُوا﴾	﴿فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ﴾	﴿إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا﴾
س	﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ﴾	﴿مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ﴾	﴿وَرَجُلًا سَلَمًا لِّرَجُلٍ﴾
د	﴿وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ﴾	﴿وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾	﴿خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ﴾
ط	﴿انْطَلِقُوا﴾	﴿فَأَمَّا مَنْ طَغَى﴾	﴿فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا﴾
ز	﴿وَأَنْزَلْنَا﴾	﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾	﴿فَتَصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا﴾
ف	﴿وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾	﴿إِنْ فِي صُدُورِهِمْ﴾	﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ فَضْلٍ﴾
ت	﴿إِلَىٰ رَبِّكَ مُنتَهَاهَا﴾	﴿وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ﴾	﴿جَنَّتْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾
ض	﴿مَنْضُودٍ﴾	﴿مِنْ ضَرِيعٍ﴾	﴿وَكُلًّا ضَرَبْنَا﴾
ظ	﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ﴾	﴿إِنْ ظَنَّا﴾	﴿ظِلًّا ظِلِيلًا﴾

۱- در مثال های جدول فوق کوشش شده تا برای اخفاء نون ساکن در یک کلمه و در دو کلمه نمونه ارایه شود، بناءً استاد محترم شاگردان را متوجه این نکته بسازد.

شاگردان آیات زیر را مشق نموده، موارد اخفاء را در آنها شناسایی و تطبیق نمایند.

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ﴾، ﴿أَوْ إِطْعَمٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ﴾، ﴿يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ﴾، ﴿أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ﴾، ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾، ﴿وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾، ﴿فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى﴾، ﴿وَوَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ﴾، ﴿الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ﴾، ﴿فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ﴾، ﴿كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ﴾، ﴿نَاصِيَةٍ كَذِبَةٍ خَاطِئَةٍ﴾، ﴿لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِّينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ﴾، ﴿رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً﴾، ﴿فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ﴾، ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾.^(۱)

سوالات

- ۱- اخفاء را تعریف نمایید.
- ۲- اخفاء دارای چند حرف می باشد؟ فقط نام بگیرید.
- ۳- حروف اخفاء را ضمن شعری که در درس خواندید بیان کنید.
- ۴- در کلمات زیر مواضع اخفاء را مشخص کنید. ﴿فَمَنْ شَاءَ﴾، ﴿إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾.
- ۵- در سه آیت زیر کدام حروف اخفاء به کار برده شده است؟ مشخص نمایید. ﴿وَبَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا﴾ - وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا - وَكَأْسًا دِهَاقًا.

۱- استاد محترم قراءت، باید آیات فوق را نظر به وقت درسی، چندین بار عملاً با شاگردان مشق و تکرار نموده و هر چهار حکم (اظهار، ادغام، اقلاب و اخفاء) را در کلمات قرآن کریم نشان دهد تا خوب ذهن نشین گردد.

۶- در کلماتی که زیر آنها خط کشیده شده، مشخص نمایید که کدام یک از احکام نون ساکن و تنوین (اظهار، ادغام، اقلاب و اخفاء) قابل تطبیق می باشد؟
﴿قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ- فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ﴾.

۷- چهار کلمه یی را ذکر کنید که در آنها بعد از نون ساکن این حروف اخفاء (ص-ض-ط-ک) وجود داشته باشد.

۸- چهار کلمه یی را ذکر کنید که در آنها بعد از تنوین این حروف اخفاء (ص-ض-ط-ک) وجود داشته باشد.



شاگردان غیر از مثال هاییکه در صنف خواندند، پانزده کلمه دیگر را که در آنها اخفاء صورت می گیرد در کتابچه های شان بیرون نویس کرده در ساعت بعدی جهت ملاحظه استاد با خود در صنف بیاورند.

احکام میم ساکن

میم ساکن

عبارت از میمی است که سکون آن در حالت وصل و وقف ثابت می ماند.^(۱)
میم ساکن دارای سه حکم می باشد:
۱- اظهار ۲- ادغام ۳- اخفاء.

اظهار

هرگاه بعد از میم ساکن، غیر از حرف "میم" و "با" حرف دیگری بیاید، میم اظهار می شود.

یعنی میم از مخرج خود به صورت طبیعی و بدون غنه، آشکار خوانده می شود.
این اظهار را، اظهار شفوی گویند.^(۲)

اظهار شفوی گاهی در یک کلمه و گاهی در دو کلمه صورت می گیرد.

مثال های اظهار شفوی:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ﴾، ﴿انْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾، ﴿الَمْ تَرَ﴾
﴿بِأَمْرِهِ﴾، ﴿الْمَصِّ﴾، ﴿اتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ﴾، ﴿الَمْ يَرَوْا﴾،

۱- از قید "میم ساکن" میم متحرک، مانند میم ﴿مَّا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ﴾ [القلم: ۲] و میم ﴿ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً﴾ [المؤمنون: ۱۳] خارج شد. و به قید "ثابت می ماند" خارج شد آن میم ساکنی که سکون آن بخاطر دفع التقاء ساکنین زایل شود، مانند میم ﴿قَمِ اللَّيْلِ﴾ [المزمل: ۲] و ﴿أَمْ ارْتَابُوا﴾ [النور: ۵۰]. و به قید "در حالت وصل و وقف" خارج شد میمی که بسبب وقف بر او بطور عارضی ساکن شده باشد، مانند میم ﴿عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ﴾ [النبا: ۲]، ناگفته نماند که میم ساکن هم در اسم می آید و هم در فعل و هم در حرف و نیز هم در وسط می آید و هم در آخر، مانند: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الفاتحة: ۲]، ﴿قُمْتُمْ﴾ [المائدة: ۶] و ﴿أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى﴾ [النجم: ۳۶].

۲- زیرا میم از حروف شفوی است.

﴿وَإِذْ يَمْكُرُ﴾، ﴿قُمْ فَانْذِرْ﴾، ﴿أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ﴾، ﴿وَإِذَا خَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ﴾، ﴿وَلَا أَنْتُمْ عِبْدُونَ مَا أَعْبُدُ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينٌ﴾، ﴿أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ﴾، ﴿إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً﴾، ﴿قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا﴾، ﴿لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ﴾، ﴿خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهُقُهُمْ ذِلَّةٌ﴾، ﴿عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ﴾، ﴿أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا﴾، ﴿وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا﴾، ﴿فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ﴾، ﴿فَاجْمَعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً﴾.^(۱)

ادغام

هرگاه بعد از میم ساکن، میم دیگری بیاید، آنجا ادغام صورت می گیرد. یعنی هردو میم یکی شده و به صورت یک میم مشدد در آمده با غنه خوانده می شود، خواه این میم ساکن در یک کلمه باشد یا در دو کلمه.

مثال های ادغام میم در میم:

﴿الَّذِينَ﴾، ﴿كَمْ مِنْ فِئَةٍ﴾، ﴿وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ﴾، ﴿أَمْ مَنْ خَلَقْنَا﴾، ﴿وَأَتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ﴾، ﴿كِتَابٍ مُبِينٍ﴾، ﴿مِنْ مُعَمَّرٍ﴾، ﴿حَمَالَةَ الْحَطَبِ﴾، ﴿هَمَّ﴾، ﴿عَمَّ﴾.

اخفاء شفوی

هرگاه بعد از میم ساکن، حرف "ب" قرار بگیرد، آنجا اخفاء می شود.

این اخفاء را، اخفاء شفوی گویند.^(۲)

۱- در مثال های فوق باید دقت کرد که برای تمام حروف اظهار شفوی (غیر از الف، میم و با) مثال ذکر شده است.
۲- طریقه اداء اخفاء شفوی و اقلاب چنانچه در بحث احکام نون ساکن و تنوین گذشت، یکی می باشد و آن اینکه قسمت خشکی لب ها به نرمی متصل شوند و به اندازه یک الف (دو حرکت) غنه صورت گیرد، سپس از تری لب ها حرف "ب" ادا شود.

مثال های اخفاء شفوی

﴿أَمْ بِظَاهِرٍ مِّنَ الْقَوْلِ﴾، ﴿فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ﴾، ﴿هُمْ بَارِزُونَ﴾، ﴿فَاخْذُنَاهُمْ
بَغْتَةً﴾، ﴿أَنبِئُهُم بِأَسْمَاءِهِمْ﴾، ﴿مِن بَعْدِهِمْ﴾، ﴿أَن بُورِكَ﴾ و ﴿سَمِيعًا بَصِيرًا﴾.

مشق و تطبیق

شاگردان آیات زیر را مشق نموده، احکام میم ساکن (اظهار، ادغام و اخفاء شفوی) را شناسایی و تطبیق نمایند.

﴿فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا - فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ
فَسَوَّاهَا﴾

﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾
﴿عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾
﴿أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى﴾
﴿تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾

سؤالات

- ۱- میم ساکن را تعریف نمایید.
- ۲- میم ساکن چند حکم دارد؟ صرف نام بگیرید.
- ۳- دو مثال برای اظهار شفوی ذکر کنید.
- ۴- سه مثال برای ادغام میم ساکن در میم ذکر کنید.

۵- دو مثال برای اخفاء شفوی ذکر کنید.

۶- فرق اخفاء شفوی و انقلاب را بیان کنید.



شاگردان سه آیتی را که در آنها اظهار شفوی، ادغام و اخفاء شفوی قابل تطبیق باشد در کتابچه های شان بیرون نویس کرده در ساعت بعدی جهت ملاحظه استاد با خود در صنف بیاورند.



احکام میم و نون مشدد

هر گاه میم و نون مشدد باشند در آنها «غنه» صورت می گیرد.
یعنی به اندازه دو حرکت بر میم و نون مشدد مکث شده و آواز از بینی خارج می شود.^(۱)
در این حالت به "میم و نون مشدد" «حرف غنه» گفته می شود.^(۲)

مثال های غنه در میم و نون مشدد

﴿قَالَ يَنْفُخُ أَهْبَاطُ سَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمُورٍ مِّن مَّعَكَ وَأُمُّهُمْ سَمِعَتْهُمْ ثُمَّ
يَمْسُهُمْ مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾، ﴿يُؤْمِنُونَ عَلَيْكَ إِنَّ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُنُوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ
بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ إِنَّ هِدَاكُمُ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾، ﴿فَغَشِيَهُمْ مِّنَ اللَّيْلِ مَا
غَشِيَهُمْ﴾، ﴿وَأَتَوْهُمْ مِّن مَّالِ اللَّهِ﴾، ﴿يَبْنِي أَرْكَبَ مَعَنَا وَلَا تَكُن مَّعَ الْكَافِرِينَ﴾
﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿١﴾ مَلِكِ النَّاسِ ﴿٢﴾ إِلَهِ النَّاسِ ﴿٣﴾﴾ مِّن شَرِّ
الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ﴿٤﴾ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ﴿٥﴾ مِّنَ الْجِنَّةِ
وَالنَّاسِ ﴿٦﴾﴾

مشق و تطبیق



شاگردان دو سوره زیر را مشق نموده، احکام میم و نون مشدد (غنه) را شناسایی
و تطبیق نمایند.

۱- آسان ترین روش دانستن اندازه یک حرکت اینست که انگشتی باز یا بسته شود، البته این فقط یک تخمین است و شناخت دقیق
آن را باید از استاد ماهر، مشاق و باتجربه ای به صورت شفاهی یاد گرفت.
۲- قابل ذکر است که حکم غنه بر علاوه میم و نون مشدد در موارد دیگر چون ادغام نون ساکن و تنوین در «ینمو»، در اقلاب
نون ساکن و تنوین به میم و در تمام موارد اخفاء اجراء می شود، البته از نظر کیفیت، غنه در نون مشدد به نسبت دیگر موارد غنه
به درجه قوی تر آن قرار دارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿١﴾ إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ﴿٢﴾ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَحْسِرْ ﴿٣﴾ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ﴿٤﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿١﴾ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿٢﴾ مَلِكِ النَّاسِ ﴿٣﴾ إِلَهِ النَّاسِ ﴿٤﴾ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ﴿٥﴾ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ﴿٦﴾ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ﴿٧﴾

سوالات

- ۱- حکم میم و نون مشدد چه می باشد؟ نام بگیرد.
- ۲- طریقه اجرای غنه را شرح دهید.
- ۳- هر گاه میم و نون مشدد باشند به کدام نام یاد می شوند؟ واضح سازید.
- ۴- سه مثال برای غنه در میم مشدد ذکر کنید.
- ۵- سه مثال برای غنه در نون مشدد ذکر کنید.
- ۶- در کلمات ذیل زیر حروفی که غنه صورت می گیرد، خط بکشید مانند.

﴿عَمَّ﴾ ﴿عَنِ النَّبَا﴾ ﴿إِنَّا﴾

﴿وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ﴾، ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾، ﴿قِيلَ يَنْحُوحُ أَهْبِطْ بِسَلَامٍ مِّنَّا﴾
﴿فَغَشِيَهُمْ مِّنَ اللَّيْلِ مَا غَشِيَهُمْ﴾ و ﴿ثُمَّ لَسَّالَنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾

کارخانه گسی

شاگردان سه آیتی را که در آنها غنه قابل تطبیق باشد در کتابچه های شان بیرون نویس کرده در ساعت بعدی جهت ملاحظه استاد با خود در صنف بیاورند.

احکام مدّ (مد اصلی)

تعریف مدّ

مدّ در لغت کشش و زیادت را گویند و در اصطلاح عبارت است از کشاندن و طولانی کردن آواز در حروف مدّ.

حروف مدّ

حروف مدّ سه تا اند:

۱- الف ساکن ماقبل آن مفتوح ۲- واو ساکن ماقبل آن مضموم ۳- یا ساکن ماقبل آن مکسور.

مانند: ﴿نُوحِيهَا﴾^(۱).

اقسام مدّ

مدّ اولاً به دو بخش تقسیم می شود:

۱- مدّ اصلی ۲- مدّ فرعی.

مدّ اصلی

عبارت از آن مدّ است که ذاتِ حرفِ مدّ بدون اجرای آن تحقق نمی یابد و به هیچ سببی از اسباب مدّ (همزه و سکون) نیاز ندارد، بلکه برای چنین مدّی وجود یکی از

۱- قابل ذکر است: فتحه ای که به صورت الف کوتاه و ضمه ای که به شکل معکوس و کسره ای که به مثل الف کوتاه نوشته می شود، همه در حکم حروف مدّ هستند؛ زیرا فتحه کشیده در حقیقت همان الف مدّی و ضمه معکوس همان واو مدّی و کسره کشیده همان یای مدّی است. مانند: ﴿الرَّحْمَنُ﴾، ﴿إِبْرَاهِيمَ﴾، ﴿إِنَّهُ﴾، که چنین تلفظ می شوند: ﴿الرَّحْمَانُ﴾، ﴿إِبْرَاهِيمَ﴾، ﴿أَنَّهُ﴾. البته یک مورد از این قاعده، در کلمه ﴿مُجْرِنَهَا﴾ [هود: ۴۱] به روایت حفص (رح) مستثنی می باشد، زیرا که در آن الف مدّی به اماله خوانده می شود که تفصیل آن بعداً این شاء الله می آید.

حروف سه گانه مدّ (الف- واو- یا) کافی است.

مانند مدّ در کلمه ﴿نُوحِيهَا﴾.

قابل ذکر است که اگر در کلمه ﴿نُوحِيهَا﴾ مدّ اصلی اجراء نشود حروف مدّ (الف- واو- یا) کاملاً از بین می رود و کلمه مختل می شود.

این مدّ را مدّ طبیعی و ذاتی نیز گویند.^(۱)

مقدار و اندازه مدّ اصلی

مقدار مدّ اصلی به اندازه یک الف است، و مقدار یک الف به اندازه دو حرکت است، و یک حرکت به اندازه بستن و یا باز کردن در میانه (نه سریع و نه آهسته) یک انگشت دست تخمین شده است.^(۲)

حکم مدّ اصلی

مدّ کردن در مدّ اصلی به اندازه یک الف واجب می باشد، زیرا بدون مدّ کردن ذات حرف از بین می رود که درین صورت سبب کم شدن یک حرف قرآن کریم می شود که این لحن جلی بوده و ارتکاب آن حرام می باشد.

۱- اصلی گویند؛ زیرا که این مدّ اصل و اساس تمام مدّ ها است و طبیعی گویند؛ زیرا کسیکه صاحب طبیعت سالم باشد این مد را نه از مقدار اصلی (دو حرکت) آن کم می کند و نه زیاد می کند و ذاتی گویند؛ زیرا ذات حرف بدون مراعت کردن مد باقی نمی ماند. و مدّ فرعی را به همین خاطر فرعی گویند که این مدّ فرع مدّ اصلی است و تا وقتی که مدّ اصلی نباشد این مدّ موجود شده نمی تواند. قابل ذکر است که سبب مدّ دو نوع است: لفظی و معنوی، لفظی همزه و سکون است و معنوی عبارت است از مبالغه در نفی، خواه برای تعظیم و مبالغه در نفی الوهیت باشد مانند: ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ﴾ [سوره محمد: ۱۹] و خواه برای تبرئه باشد که بعضی قراء بر آن تأکید دارند، مانند: ﴿لَا رَيْبَ﴾ [البقرة: ۲]، اما بخاطر اینکه سبب لفظی به نزد قراء و مجودین سبب قوی است لذا ما تنها از سبب لفظی که همزه و سکون است نام می بریم و از آن بحث می کنیم.

۲- این فقط یک تخمین است و شناخت دقیق آن را باید از استاد ماهر، مشاق و باتجربه بطور زنده و شفاهی یاد گرفت.

مثال های مدّ اصلی

﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ﴾، ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى
لِّلْمُتَّقِينَ﴾، ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ﴾، ﴿وَالْعَصْرَ﴾ ❶ إِنَّ الْإِنْسَانَ
لَفِي خُسْرٍ ❷ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ
❸ ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾ ❶ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ
اللَّهِ أَفْوَاجًا ❷ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ❸ ﴿

مشق و تطبیق

شاگردان دو سوره ذیل را مشق نموده مد اصلی را شناسایی و حکم آن را تطبیق نمایند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿أَلْهَنَكُمْ التَّكَاثُرُ﴾ ❶ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ❷ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ❸ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ
تَعْلَمُونَ ❹ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ ❺ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ❻ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا
عَيْنَ الْيَقِينِ ❼ ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ❸ ﴿

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ﴾ ❶ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ أَلَيْتِيَمَ ❷ وَلَا
يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ ❸ فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ ❹ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ
❺ الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ ❻ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ❼ ﴿

سؤالات

- ۱- مد را معنی نموده اصطلاحاً تعریف کنید.
 - ۲- حروف مد را نام گرفته با مثال واضح سازید.
 - ۳- اهمیت مد کردن در مد اصلی را بیان کنید.
 - ۴- مقدار و اندازه مد اصلی را بیان کنید.
 - ۵- حکم مد اصلی چیست؟ واضح سازید.
 - ۶- سه مثال برای مد اصلی ذکر کنید.
 - ۷- در آیات ذیل مد اصلی را نشان دهید:
- ﴿وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا﴾، ﴿وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ﴾، ﴿أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ﴾،
 ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ﴾، ﴿يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ﴾، ﴿وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ
 مَوَازِينُهُ﴾ و ﴿فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ﴾

کارخانه گسی

شاگردان سه آیتی را که در آن ها مد اصلی وجود داشته باشد در کتابچه های شان بیرون نویس کرده و زیر کلماتی که در آن ها مد اصلی قابل تطبیق می باشد خط کشیده، در ساعت بعد جهت ملاحظه استاد، با خود در صنف بیاورند.

مدّ فرعی

عبارت است از مدّی که وجود آن فرع وجود مدّ اصلی می باشد و در آن مدّ بیشتری به نسبت مدّ اصلی صورت می گیرد، و بعد از آن وجود سبب مدّ -همزه و سکون- حتمی می باشد.

مانند: ﴿أُولَئِكَ﴾، ﴿بِمَا أُنْزِلَ﴾، ﴿فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَةُ﴾، ﴿وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾، ﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾، ﴿الْمَ﴾، ﴿حَمَ﴾، ﴿طَسَمَ﴾ و ﴿مِنْ خَوْفٍ﴾.

اقسام مدّ فرعی

مدّ فرعی به چهار قسم است

- ۱- مد متصل ۲- مدّ منفصل ۳- مدّ لازم ۴- مدّ عارض للسکون.^(۱)

مدّ متصل

آنست که بعد از حرف مدّ، سبب آن در همان کلمه متصل آن واقع شود.

مانند: ﴿أُولَئِكَ﴾، ﴿سُوءَ﴾ و ﴿سَيِّئَتٍ﴾.

در کلمات فوق می بینیم که بعد از حرف مدّ، سبب آن (همزه) در همان کلمه

۱- بعض قراء دو قسم دیگر را نیز برای مدّ فرعی ذکر کرده اند، در متن به دلیل داخل بودن آنها در مدّ اصلی از لحاظ مقدار ادا ذکر نشد، اما در حاشیه ذیل ذکر می شود:

مدّ بدل: آن در جایی است که قبل از حروف مدّ، همزه واقع شود و آن همزه به حرف هم جنس حرکت حرف ماقبل مبدل شود. مانند "آمنوا"، "ایمانا" و "أوتوا" که در اصل "أُمنوا"، "إِیماناً" و "أُتوا" بوده اند.

مدّ عوض: آن در جایی است که تنوین مفتوح در حالت وقف به الف مبدل شود، مانند "نساء" که "نساء" خوانده می شود.

متصل آن قرار گرفته است، لذا به آن مد متصل (با هم پیوست) گویند.

مقدار مدّ متصل

در مدّ متصل به اندازه چهار تا پنج حرکت در حالت وصل، و از چهار تا شش حرکت در حالت وقف مد می شود (آواز کش می شود).^(۱)

حکم مدّ متصل

در مد متصل به نزد همه قراء، مد کردن واجب است به همین خاطر این مد را عملاً به نام مد واجبی نیز یاد می کنند.

مثال های مدّ متصل

﴿إِذَا السَّمَاءُ أَنْفَطَرَتْ﴾، ﴿مَا شَاءَ﴾، ﴿وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ﴾، ﴿أُولَئِكَ أَنْهُمْ مَبْعُوثُونَ﴾، ﴿قَالُوا لَوْ﴾، ﴿عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ﴾، ﴿حَدَّائِقٍ وَأَعْنَابٍ﴾ و ﴿عَطَاءٍ حَسَابًا﴾.

مدّ منفصل

آنست که حرف مد در یک کلمه و سبب آن در کلمه دیگر واقع شود.

مانند: ﴿بِمَا أُنْزِلَ﴾، ﴿لَا أَقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾ و ﴿وَمَا أَدْرَاكَ﴾

۱- قابل ذکر است که به نزد همه قراء در مد متصل، هیچگاه مد از شش حرکت زیاد نمی شود و از سه حرکت کم (حد اکثری آن شش حرکت و حد اقلی آن سه حرکت است).

در کلمات فوق می بینیم که حرف مد (الف) در یک کلمه و سبب آن (همزه) در کلمه دیگر قرار گرفته است؛ لذا به آن مد منفصل (از هم جدا) می گویند.

مقدار مدّ منفصل

در مدّ منفصل به نزد حفص رحمه الله، که ما طبق روایت آن تلاوت می کنیم به اندازه چهار حرکت تا پنج حرکت مد می شود.

حکم مدّ منفصل

در مد منفصل مد کردن جایز است؛ زیرا گاهی قصر (دو حرکت مانند مد اصلی) می شود و گاهی طول (به اندازه چهار حرکت) به همین خاطر این مد را به نام مد جایز نیز یاد می کنند.

مثال های مدّ منفصل

﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ﴾، ﴿فِي أَيِّ صُورَةٍ﴾، ﴿وَمَا أَدْرَاكَ﴾، ﴿كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ﴾، ﴿كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ﴾، ﴿إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾، ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُفِّ﴾ و ﴿إِلَىٰ أَهْلِهِمْ﴾.

مشق و تطبیق

شاگردان سوره زیر را مشق نموده، احکام مد متصل و منفصل را در مواردی که مد صورت می گیرد تطبیق نمایند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾ ١ ﴿وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾ ٢ ﴿وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ﴾ ٣ ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي﴾
 كِبَرٍ ﴿٤﴾ أَيْحَسِبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ﴿٥﴾ يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَا لَا لُبَدًا ﴿٦﴾ أَيْحَسِبُ أَنْ لَمْ﴾
 يَرَهُ أَحَدٌ ﴿٧﴾ أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ﴿٨﴾ وَلِسَانًا وَشَفْهَيْنِ ﴿٩﴾ وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ﴿١٠﴾ فَلَا اقْنَحَمَ﴾
 الْعَقَبَةَ ﴿١١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ﴿١٢﴾ فَكُ رَقَبَةً ﴿١٣﴾ أَوْ إِطْعَمٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ﴿١٤﴾ بَيْنَمَا ذَا﴾
 مَقْرَبَةٍ ﴿١٥﴾ أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ﴿١٦﴾ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ﴾
 ﴿١٧﴾ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْإِيمَانِ ﴿١٨﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿١٩﴾ عَلَيْهِمْ نَارٌ

مُؤَصَّدَةٌ ﴿٢٠﴾ ﴿

سوالات

- ۱- مد فرعی با اصلی چه فرق دارد؟ واضح سازید.
- ۲- اقسام مد فرعی را نام بگیرید.
- ۳- مد متصل و مد منفصل از هم چه فرق دارند؟ با مثال واضح سازید.
- ۴- مقدار و حکم مد متصل و منفصل را بیان کنید.
- ۵- چهار مثال برای مد متصل ذکر کنید.
- ۶- چهار مثال برای مد منفصل ذکر کنید.

کارخانه گسی

شاگردان دو آیتی را که در آن ها مد متصل و منفصل وجود داشته باشد در کتابچه های شان بیرون نویس کرده، در ساعت بعد جهت ملاحظه استاد، با خود در صنف بیاورند.

مَدّ لازم

مدی است که سبب آن سکونِ لازمی بوده و پس از حرف مد داخل همان کلمه همیشه در وقف و وصل همراه باشد.

مثال های مَدّ لازم

﴿ص﴾، ﴿الْم﴾، ﴿الآن﴾ و ﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾.

مَدّ عارض للسکون

مدی است که سبب آن سکون اصلی نبوده، بلکه هنگام وقف بعد از حرف مد و یا لین ایجاد شود.^(۱)

مثال های مَدّ عارض للسکون

﴿يَسْجُدَانِ﴾، ﴿تُكَذِّبَانِ﴾، ﴿مَجْنُونٌ﴾، ﴿فِي رَقٍّ مَّنْشُورٍ﴾، ﴿خَوْفٍ﴾،
﴿الْفَوْزُ﴾، ﴿رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾، ﴿نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾، ﴿هَذَا الْبَيْتِ﴾، ﴿الصَّيْفِ﴾
و ﴿اللَّيْلِ﴾.

۱- یعنی حرفی که بعد از حرف مد می آید در اصل متحرک باشد، اما مؤقتاً بسبب وقف ساکن شود، که در صورت وصل، سکون و در نتیجه، مد آن از بین می رود و حرف مد، به مد طبیعی باز می گردد؛ لذا این نوع مد را، مد عارض للسکون نامیده اند.
حرف لین عبارت است از: (واو ساکن ماقبل مفتوح - یای ساکن ماقبل مفتوح) مانند: {خَوْفٍ} {الصَّيْفِ}، حکم این مد مانند حکم مد عارض للسکون است لذا ما آن را جداگانه ذکر نکردیم.

شاگردان آیات زیر را مشق نموده، احکام مد لازم و عارض را در مواردی که مد صورت می گیرد تطبیق نمایند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿الْمَ (۱) ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (۲) الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۳) وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (۴) أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵)﴾

سوالات

- ۱- مد لازم را تعریف کنید.
- ۲- چهار مثال برای مد لازم ذکر کنید.
- ۳- مد عارض للسكون را تعریف کنید.
- ۴- چهار مثال برای مد عارض للسكون ذکر کنید.
- ۵- در کلمات زیر مد لازم را تشخیص و زیر آن خط بکشید.
﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾، ﴿الْمَ﴾، ﴿حَمَ﴾، ﴿طَسَمَ﴾ و ﴿مِنْ خَوْفٍ﴾.
- ۶- در کلمات زیر مد عارض للسكون را تشخیص و زیر آن خط بکشید.
﴿الرَّحْمَنِ (۱) عَلَّمَ الْقُرْآنَ (۲)﴾، ﴿يَسْجُدَانِ﴾، ﴿تُكَذِّبَانِ﴾، ﴿مَجْنُونٌ﴾ و ﴿فِي رَقٍّ مَّنْشُورٍ﴾.

کارخانه گسی

شاگردان دو آیتی را که در آنها مد لازم و مد عارض للسكون قابل اجرا باشد، در کتابچه های شان بیرون نویس کرده در ساعت بعدی جهت ملاحظه استاد با خود در صنف بیاورند.

مخارج حروف

تعریف مخرج

مخرج در لغت جای خروج را گویند و در اصطلاح جای برآمدن و محل تولید حرف را مخرج گویند.

روش شناخت مخرج حرف

هرگاه بخواهیم که مخرج حرفی را پیدا کنیم آن حرف را ساکن کرده؛ سپس همزه وصل متحرک را بر آن داخل کرده تلفظ می کنیم، پس هر جایکه آواز ما قطع شد همانجا مخرج همان حرف می باشد، مثلاً: أَعْ، پس معلوم شد که مخرج عین وسط حلق می باشد همینطور دیگر حروف مانند: أَبْ، أَشْ، أَصْ و.....

اقسام مخارج حروف

مخارج حروف بنا بر قول راجح (۱۷) است، که به پنج مخرج اساسی دسته بندی می شود، اینک در این بخش فقط به شرح مختصرِ مخارج اساسی می پردازیم:

جوف (فضای دهن)

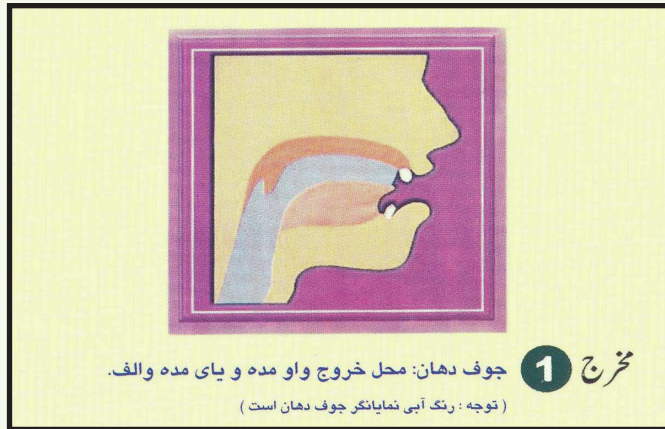
از این مخرج حروف سه گانه مد بیرون می شود:

۱- الف مدّی (الف ساکن ماقبلِ آن مفتوح).

۲- واو مدّی (واو ساکن ماقبلِ آن مضموم).

۳- یای مدّی (یا ساکن ماقبلِ آن مکسور).

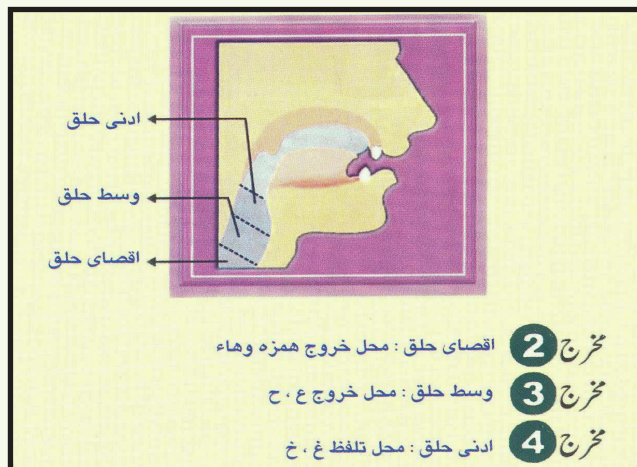
مانند: {تَوْحِيهَا}.



حلق (گلو)

از این مخرج شش حرف حلقی (ء، ه، ع، ح، غ، خ) خارج می شود. در بیت ذیل شاعر آنها را جمع کرده است:

حرف حلقی شش بود ای با وفا همزه وها، عین و حا و غین و خا
مانند: ﴿الْبَاسَاءُ﴾، ﴿إِهْدِنَا﴾، ﴿يَعْمَهُونَ﴾، ﴿الرَّحْمَنَ﴾، ﴿الْمَغْضُوبِ﴾ و
﴿وَمَا يَخْدَعُونَ﴾.



شاگردان سوره زیر را مشق نموده، حروف جوفی و حلقی را بعد از شناسایی، از مخرج آن در حضور داشت استاد ادا نمایند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ وَالْضُّحَىٰ ﴿۲﴾ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ ﴿۳﴾ وَلِلْآخِرَةِ
خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ ﴿۴﴾ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ ﴿۵﴾ أَلَمْ يَجِدَكَ
يَتِيمًا فَآوَىٰ ﴿۶﴾ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ ﴿۷﴾ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ
﴿۸﴾ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ﴿۹﴾ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ﴿۱۰﴾ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ
فَحَدِّثْ ﴿۱۱﴾

سوالات

- ۱- مخرج را تعریف کنید.
- ۲- چطور می توانیم مخرج یک حرف را پیدا کنیم؟ روش آن را عملاً اجرا کنید.
- ۳- مخارج حروف چند بوده، و به چند مخرج اساسی دسته بندی میشود؟ فقط نام بگیرید.
- ۴- از جوف (فضای دهن) چند حرف خارج می شود؟ با مثال واضح سازید.
- ۵- حروف حلقی چند بوده؟ ضمن شعری که خواندید آنرا بیان کنید.



شاگردان حروف هجا را در کتابچه هایشان نوشته کرده، حروف جوفی و حلقی را بعد از تشخیص حلقه کنند و جهت ملاحظه استاد، در ساعت بعدی با خود در صنف بیاورند.

دندانها

مقدمه

از آنجا که دندانها در تلفظ حروف و تولید صداها نقش مهم و اساسی دارد، لازم است تا با نام، تعداد و وظایف هر کدام آنها در علم تجوید روشنی انداخته شود. مخارج آینده از اینکه ارتباط مستقیم با دندانها دارد، به ذکر آنها در این درس می پردازیم:

تعداد و نام های دندانها

هر انسان بالغ دارای ۳۲ دندان است، ۱۶ دندان در فک بالا و ۱۶ دندان در فک پایین، از جمله ۳۲ دندان، ۴ دندان جلو را «ثنايا» می گویند. دو تای بالا را «ثناياي علیا» و دو تای پایین را «ثناياي سفلی» می گویند.

در کنار آنها ۴ دندان دیگر (دو بالا و دو پایین) وجود دارد که به آنها «رباعیات» یا «قواطع» می گویند.

در کنار رباعیات، ۴ دندان نوک تیز (دو بالا و دو پایین) وجود دارد، آنها را «أنياب» یا «کواسر» می گویند.

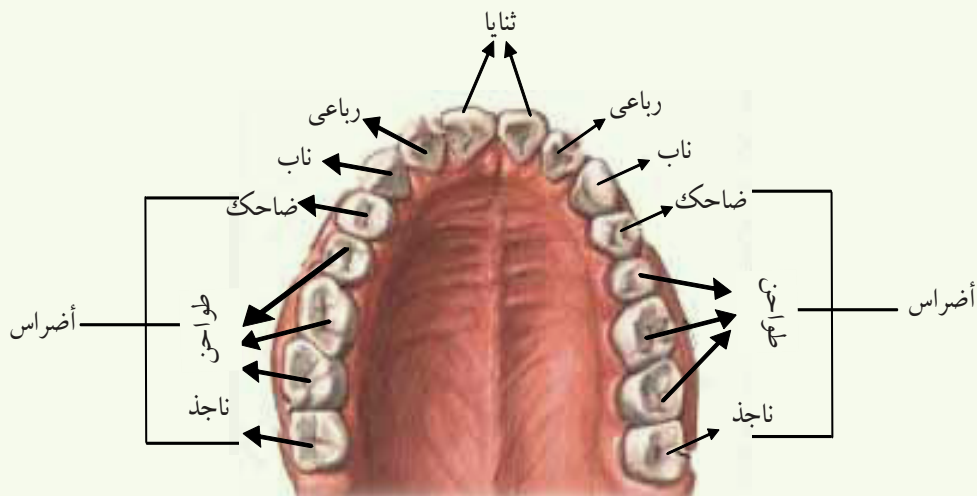
در کنار أنياب، ۴ دندان دیگر (دو بالا و دو پایین) وجود دارد که به آنها «ضواحک» گفته می شود.

در کنار ضواحک، ۱۲ دندان دیگر وجود دارد، ۶ تا بالا (سه تا در قسمت راست و سه تا در قسمت چپ) و ۶ تا پایین (سه تا در قسمت راست و سه تا در قسمت چپ) که به آنها «طواحن» گفته می شود.

در کنار طواحن و در قسمت آخر دندان ها، ۴ دندان دیگر (دو بالا و دو پایین) وجود دارد که به آنها «نواجذ» گفته می شود.^(۱)

مجموعه ۲۰ دندان ضواحک، طواحن، و نواجذ را «أضراس» می گویند.^(۲)

شکل دندانها



۱- دندانهای ثنايا و رباعیات را به فارسی دندانهای "پیش"، دندانهای آنیاب را "نیش دندان"، دندانهای ضواحک و طواحن را "آسیا دندان" و دندانهای نواجذ را "عقل دندان" گویند.

۲- وجه تسمیة دندانها:

ثنايا: جمع ثنية است و ثنیة دوتایی را گویند، چونکه این دندانها در هر دو طرف یکجا دو دو تا قرار دارند لذا به ثنايا مسمی شدند. رباعیات: جمع رَبعیة (چهار گوشه) است، و این چهار دندان در چهار طرف ثنايا قرار گرفته اند لذا به رباعیات مسمی شدند.

أنیاب: جمع ناب (نیش) است، بسبب نوک تیز بودن شان به أنیاب مسمی شدند.

ضواحک: جمع ضاحكة است، بسبب ظهور این دندانها در وقت خنده به این نام مسمی شدند.

طواحن: جمع طاحنة (آسیاب کننده و ساینده) است، چونکه این دندانها در ساییدن و ریزه کردن غذا بیشتر مؤثر اند لذا به این نام مسمی شدند.

نواجذ: جمع ناجذه است و اصل نجد محکم گرفتن شدید را گویند، چونکه این دندانها معمولاً بعد از ۲۰ سالگی و کمال بلوغ و محکم (پخته) شدن عقل بر می آیند لذا به این نام مسمی شدند و به همین سبب به فارسی آنها را عقل دندان گویند.

هرچه سبب مسمی کردن ۲۰ دندان ضواحک، طواحن، و نواجذ به أضراس این است که أضراس جمع ضرس به معنای دندانه است و این دندانها هم دندانه دار اند لذا جمعاً به أضراس مسمی شدند.

شاگردان سوره زیر را مشق نموده، هر حرف را عملاً از مخرج آن در حضور داشت استاد، ادا نمایند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿الْهَنَكُمُ التَّكَاثُرُ﴾ ① حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ② كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ③
ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ④ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ ⑤ لَتَرَوُنَّ
الْجَحِيمَ ⑥ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ⑦ ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ
النَّعِيمِ ⑧ ﴿

سوالات

- ۱- چرا ما باید دندانها را بشناسیم؟ اهمیت بحث آنها را در علم تجوید بیان کنید.
- ۲- یک انسان بالغ دارای چند دندان می باشد؟ نام بگیرید.
- ۳- ثنایا کدام دندانها را گویند؟ معلومات دهید.
- ۴- رباعیات کدام دندانها را گویند؟ معلومات دهید.
- ۵- انیاب کدام دندانها را گویند؟ معلومات دهید.
- ۶- ضواحک کدام دندانها را گویند؟ معلومات دهید.
- ۷- بین طواحن و نواجد چه فرق می باشد؟ شرح دهید.



شاگردان پیرامون نظافت، حفظ و سلامتی دندانها و نقش آنها در تلفظ حروف و تولید صداها مقاله بنویسند که از پنج سطر کم نباشد و جهت ملاحظه استاد، در ساعت بعدی با خود در صنف بیاورند.

مخرج های لسان (زبان)

لسان (زبان)

زبان دارای ده مخرج می باشد و از آن ۱۸ حرف (ق، ک، ج، ش، یای غیر مدی، ض، ل، ن، ر، ط، د، ت، ص، ز، س، ظ، ذ، ث) خارج می شود، که ذیلاً مثال هریک ذکر می شود.

﴿اَقْتَرَبَ﴾، ﴿اَهْلَكْتُ﴾، ﴿نَجَعْلُ﴾، ﴿المُشَامَةِ﴾، ﴿يَوْمَ﴾، ﴿وَالضُّحَى﴾، ﴿وَاللَّيْلِ﴾، ﴿وَالنَّهَارَ﴾، ﴿وَارْتَبْتُمْ﴾، ﴿اِطْعَامَ﴾، ﴿وَمَا اَدْرَاكَ﴾، ﴿مَتَرَبَّةٍ﴾، ﴿وَالْعَصْرِ﴾، ﴿اَزْوَاجًا﴾، ﴿وَالسَّابِحَاتِ﴾، ﴿اَظْلَمَ﴾، ﴿وَإِذْ قَالَ﴾ و ﴿اٰثِنِينَ﴾.



مخرج «ق»



مانند: ﴿رَزَقْنَهُمْ﴾.

مخرج «ک»



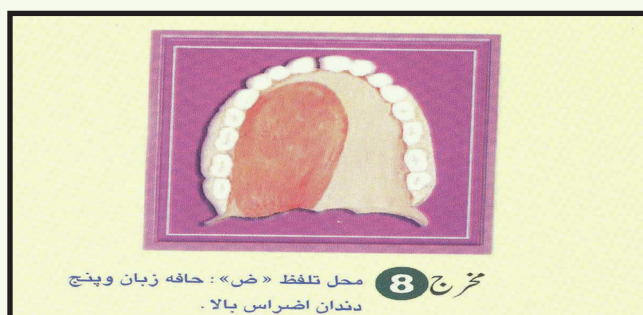
مانند: ﴿يَكْذِبُونَ﴾.

مخرج «ج، ش، یای غیر مدی»



مانند: ﴿أَجْرٌ﴾، ﴿أَشْتَاتٌ﴾ و ﴿خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾.

مخرج «ض»



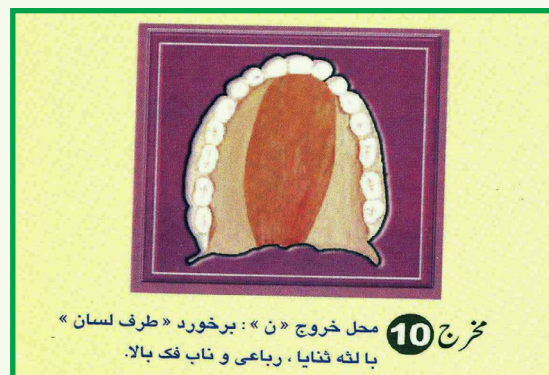
مانند: ﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾.

مخرج «ل»



مانند: ﴿الَّذِينَ﴾.

مخرج «ن»



مانند: ﴿انْعَمْتَ﴾.

مخرج «ر»



مانند: ﴿الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾.

مخرج «ط، د، ت»



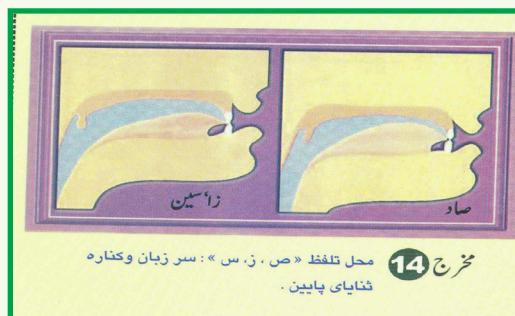
مانند: ﴿الطَّيِّتُ﴾، ﴿وَمَا أَدْرَاكَ﴾ و ﴿أَخْرَجْتُ﴾.

مخرج «ظ، ذ، ث»



مانند: ﴿وَلَا تُظْلَمُونَ﴾، ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ﴾ و ﴿وَالشَّمْرَاتِ﴾.

مخرج «ص، ز، س»



مانند: ﴿فَاصْطَادُوا﴾، ﴿وَالزَّيْتُونَ﴾ و ﴿أَسْفَلَ﴾.

شاگردان سوره زیر را مشق نموده، هر حرف را عملاً از مخرج آن در حضور داشت استاد، ادا نمایند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ الْقَارِعَةُ ① مَا الْقَارِعَةُ ② وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ ③ يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ④ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ ⑤ فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ⑥ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ⑦ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ⑧ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ ⑨ وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَهٗ ⑩ نَارُ حَامِيَةٍ ⑪ ﴾

سؤالات

- ۱- لسان دارای چند مخرج می باشد؟ فقط نام بگیرید.
- ۲- از زبان چند حرف بیرون می شود؟ بیان کنید.
- ۳- مخرج «ق» و «ک» را نام بگیرید.
- ۴- مخرج «ج»، «ش» و «یای غیر مدی» را نام بگیرید.
- ۵- بین مخرج های «ض»، «د» و «ظ» چه فرق می باشد؟ معلومات دهید.
- ۶- بین مخرج های «ص»، «س» و «ث» چه فرق می باشد؟ معلومات دهید.



شاگردان ۲۹ حرف هجا را در کتابچه هایشان نوشته کرده، مخرج حروف لسانی را بعد از تشخیص حلقه کنند و جهت ملاحظه استاد، در ساعت بعدی با خود در صنف بیاورند.

شفتان و خیشوم

شفتان (لب ها)

این موضع دارای دو مخرج می باشد و چهار حرف (فا، با، میم، واو) از آن خارج می شود.
مخرج «ف»:

از قرار گرفتن وسط لب پایین بر لبه ثنایای علیا حرف «ف» اداء می شود.

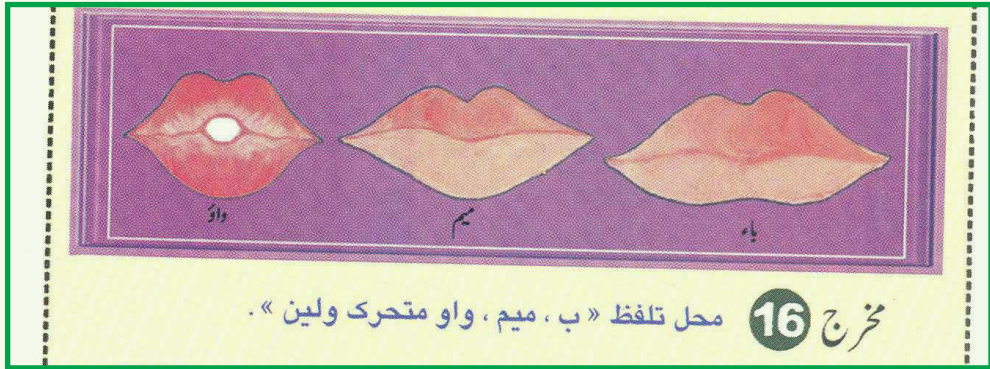


مانند: ﴿أَفْوَاجًا﴾.

مخرج «ب، م، و»

به کمک لب ها سه حرف «ب، م، و» واو غیر مدّی» ادا می شوند، با این تفاوت که:
حرف «ب» از قسمت تری لب ها ادا می شود، به همین جهت آن را «بحری» می گویند.
حرف «م» از قسمت خشکی لب ها ادا می گردد، به همین جهت آن را «بری» می گویند.
حرف «و» از جمع شدن نا تمام هر دو لب اداء می شود.^(۱)

۱- این چهار حرف (ف ب م و) را (به خاطر دخیل بودن لب ها در تلفظ آنها) «شَفَوِی» می گویند.



مانند: ﴿تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ﴾، ﴿سَلِمَ مِنَّا﴾.

خیشوم

فضای بینی را «خیشوم» و صدایی که از آن بیرون می شود «غَنَه» گویند. «غَنَه» مخصوص دو حرف «م» و «ن» بوده که در تمام حالات اظهار می شود.^(۱)



مانند: ﴿عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ﴾ و ﴿أَنعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾.

۱- یعنی سکون، حرکت و تشدید، گرچه غنه در میم و نون مشدد خویر اظهار می شود.

شاگردان دو سوره زیر را تلاوت نموده، حروف شفوی و خیشوم را بعد از شناسایی عملاً در حضور داشت استاد، از مخرجش ادا نمایند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿قُلْ يَٰأَيُّهَا الْكَافِرُونَ ﴿١﴾ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٣﴾ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٥﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿٦﴾﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ﴿١﴾ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴿٢﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ﴿٣﴾﴾

سوالات

- ۱- از لب ها چند حرف خارج می شود؟ نام بگیرید.
- ۲- بین مخرج «ف» و «ب» چه تفاوت وجود دارد؟ معلومات دهید.
- ۳- بین مخرج «م» و «و» چه تفاوت وجود دارد؟ معلومات دهید.
- ۴- خیشوم در کجا موقعیت داشته و صدایی که از آن بیرون میشود چه نامیده میشود؟ واضح سازید.
- ۵- "غنه" چه را گویند و کدام حروف دارای این صفت می باشد؟ واضح سازید.



شاگردان حروف هجا را در کتابچه های شان نوشته کرده، حروف شفوی و غنه را بعد از شناسایی حلقه کنند و در ساعت بعدی جهت ملاحظه استاد، با خود در صنف بیاورند.

اقسام تلاوت

قرآن کریم به "ترتیل" نازل شده است، الله متعال می فرماید:

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا﴾^(۱)

و مسلمانان هم، به ترتیل خواندن قرآن کریم مأمور هستند، طوریکه الله متعال می فرماید:

﴿وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾^(۲) "و قرآن کریم را با ترتیل (با آهسته گی، دقت و تأمل) بخوان".

"ترتیل" روح تمام اقسام تلاوت می باشد و قرآن کریم به هر سرعتی که خوانده شود، نباید از چارچوب "ترتیل" خارج شود. بناءً معنای ترتیل و اقسام آن را باید بدانیم، اینک به شرح آن می پردازیم:

ترتیل و اقسام آن

ترتیل در لغت عبارت است از منظم و مرتب کردن چیزی.

در اصطلاح عبارت است از خواندن قرآن کریم با رعایت کردن قواعد تجوید،

۱- فرقان: ۳۲، "کافران گفتند: چرا قرآن یک باره بر وی -پیامبر ﷺ- نازل نشد؟ چنین کردیم تا بدین وسیله قلب تو را محکم داریم و آن را تدریجاً (منظم و با تأنی) فرستادیم".

۲- مزمل: ۴

با آهسته گی و تدبّر در معانی آیات.

قرائت قرآن کریم با رعایت اصل "ترتیل" از نظر تفاوت سرعت در خواندن، به سه قسم می باشد:

۱- تحقیق ۲- تدویر ۳- تحذیر (حدر).

تحقیق

در لغت به معنای رسیدن به حقیقت چیزی و حق چیزی را بدون کمی و زیادی به جای کردن است.

و در اصطلاح عبارت است از خواندن قرآن کریم با رعایت حد اکثر آرامش و تأنی.

یعنی با اشباع مدّ، تحقیق همزه، اتمام حرکات، تفکیک حروف از یکدیگر و وقف بر محل های جایز.

محل استفاده این روش

از روش "تحقیق" در تعلیم قرائت به شاگردان، تمرین و ریاضت زبان برای فراگیری و ادا قواعد تجوید و قرائت هاییکه در مجالس و محافل صورت می گیرد، استفاده می شود.

گرچه در این روش، قرائت کمتر می شود؛ اما امکان ادا صحیح حروف و تدبّر

در معانی آیات بیشتر است.^(۱)

مشق و تطبیق

شاگردان سورة زیر را با در نظر داشت اصل «ترتیل» به روش «تحقیق» عملاً در حضور داشت استاد، در صنف تلاوت نمایند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا (۱) وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (۲) وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا (۳) يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا (۴) بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا (۵) يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ (۶) فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (۷) وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (۸)﴾

سوالات

- ۱- ترتیل در لغت و در اصطلاح چه را گویند؟ واضح سازید.
- ۲- آیت ﴿وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾ چه حکم را افاده می کند؟ توضیح دهید.
- ۳- انواع ترتیل را فقط نام بگیرید.
- ۴- تحقیق کدام نوع روش است؟ معلومات دهید.
- ۵- از روش "تحقیق" در کدام موارد بیشتر استفاده می شود؟ معلومات دهید.

۱- باید توجه نمود که افراط در تحقیق چون مکث های بی دلیل، مدّ های بی مورد و تکلف بی نهایت در خواندن مردود بوده، از آن اجتناب باید کرد.

شاگردان هفت آیت اخیر سوره حشر را برای مشق کردن به روش تحقیق،
انتخاب و در ساعت آینده در حضور استاد و همصنفان شان به همان روش تلاوت
نمایند.^(۱)

۱- یاد داشت: شاگردان برای تمرین کردن هفت آیت اخیر سوره "حشر پ ۲۸" ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرَ نَفْسٌ مَّا
قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ (۱۸) وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ دَسُوا اللَّهَ فَأَنسَهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿۱۹﴾ لَا يَسْتَوِي
أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿۲۰﴾ لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْءَانَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مَُّصَدَّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ
وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿۲۱﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةُ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿۲۲﴾ هُوَ
اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيِّمُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَنَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۲۳﴾ هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۲۴﴾ می تواند از روش
قاریان مشهور مانند قاری عبدالباسط، محمود خلیل حصری، حجاج رمضان و محمود شحات در قرائت آیات فوق تقلید نمایند.

تدویر و تحدیر

تدویر

در لغت به معنای گرد کردن و چرخانیدن است و در اصطلاح عبارت است از خواندن قرآن کریم با سرعت متوسط.

یعنی نه به کندی تحقیق و نه به تندی تحدیر.^(۱)

محل استفاده این روش

از روش "تدویر" بیشتر در نمازهای پنجگانه استفاده می شود. در این روش نسبت به تحقیق، قرائت بیشتر صورت می گیرد و به سبب اینکه یک روش متوسط است و "خیرُ الأمور أوسطها" بناءً مورد پسند اکثر قراء و مجودین می باشد.

تحدیر (حدر)

در لغت به معنای شیب دادن و سرازیر کردن است و در اصطلاح عبارت است از خواندن قرآن کریم با سرعت بیشتر.

اما باید توجه داشت که قرائت به "حدر" هرگز به معنای عدم رعایت احکام

۱ - شاگردان میتوانند در روش های تدویر از روش قاری عبدالرحمن «حذیفی» و قاری محمد ایوب تقلید کنند.

تجوید نیست، بلکه مراد از آن به نسبت تحقیق و تدویر به سرعت خواندن است با رعایت قواعد تجوید.^(۱)

محل استفاده این روش

از روش "حدر" بیشتر در تلاوت یومیه (گردان روز مره آیات حفظ شده) و در نماز تراویح استفاده می شود.

قابل ذکر است که این روش بیشتر به کسانی توصیه می شود که اولاً در خواندن قرآن کریم دارای تجربه کافی، حسن ادای قواعد سرعت در قرائت باشند حروف و کلمات را ضایع نمی سازند و ثانیاً در عین تیز خواندن، قادر به تدبیر در معانی آیات باشند تا با خواندن بیشتر ثواب بیشتر را کمایی کنند.

اما کسانی که در مرحله ابتدایی قرار دارند و در وقت تیز خواندن، قادر به حسن ادا و تدبیر در معانی آیات نیستند می توانند که از دو روش قبلی استفاده کنند نه از روش حدر.



شاگردان سوره زیر را با در نظر داشت اصل «ترتیل» به دو روش (تدویر و حدر) عملاً در حضور داشت استاد، در صنف تلاوت نمایند.

۱- شاگردان میتوانند در روش حدر از روش قاری برکت الله «سلیم» قاری مشهور کشور عزیز ما افغانستان در نماز تراویح تقلید کنند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٢﴾ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣﴾ مَلِكِ
يَوْمِ الدِّينِ ﴿٤﴾ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿٥﴾ اهْدِنَا الصِّرَاطَ
الْمُسْتَقِيمَ ﴿٦﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا
الضَّالِّينَ ﴿٧﴾ ﴾

سوالات

- ۱- تدویر در لغت و در اصطلاح چه را گویند؟ واضح سازید.
- ۲- از روش "تدویر" در کدام موارد بیشتر استفاده می شود؟ معلومات دهید.
- ۳- تحدیر در لغت و در اصطلاح چه را گویند؟ واضح سازید.
- ۴- از روش "تحدیر" در کدام موارد بیشتر استفاده می شود؟ معلومات دهید.
- ۵- ترتیل با روش های تحقیق، تدویر و تحدیر چه رابطه دارد؟ واضح سازید.

استاد شاگردان را به دو گروه (الف و ب) دسته بندی نموده، برای هر دو گروه دو آیت اخیر سوره بقره را انتخاب نموده گروه «الف» به روش تدویر و گروه «ب» به روش حدر مشق نمایند و در ساعت آینده هر گروه در حضور استاد و همصنفان شان به همان روش تلاوت نماید.^(۱)

۱- یاد داشت: شاگردان برای تمرین کردن دو آیت اخیر سوره بقره "﴿أَمَّا الرُّسُولُ فَإِنَّهُ أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (۲۸۵) لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۲۸۶)﴾" می تواند از روش های قاریان مشهور مانند قاری عبدالباسط، عبدالرحمن حدیفی، محمد ایوب، سعدالغامدی، عبدالرحمن سدیس، ماهر المعقلی و برکت الله سلیم در قرائت آیات فوق تقلید نمایند.

بخش حفظ مقررہ

صنف ہفتم^(۱)

۱- در این صنف، نصف اخیر پارہ سی ام برای حفظ مقرر شدہ، بناءً استاد قرائت بہ تناسب ساعات مضمون قرائت، حفظ آیات و سورۃ خاص را روزانہ تعیین کند تا حفظ مقررہ تکمیل گردد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سورة الفجر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْفَجْرِ ① وَلَيَالٍ عَشْرٍ ② وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ③ وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ ④ هَلْ
 فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرِ ⑤ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ⑥ إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ
 ⑦ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبَلَدِ ⑧ وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ⑨
 وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَارِ ⑩ الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبَلَدِ ⑪ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ ⑫
 فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ⑬ إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ ⑭ فَأَمَّا الْإِنْسَنُ
 إِذَا مَا ابْنَلَّهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ⑮ وَأَمَّا إِذَا مَا ابْنَلَّهُ
 فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهْنَنِ ⑯ كَلَّا بَلْ لَا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ ⑰ وَلَا
 تَحْضُونَ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ ⑱ وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا ⑲
 وَتَحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ⑳ كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ㉑
 وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ㉒ وَجِئَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَنْذِكُرُ
 الْإِنْسَنُ وَآفَنَى لَهُ الذِّكْرَى ㉓ يَقُولُ يَلَيَّتَنِي قَدَمْتُ لِحَيَاتِي ㉔ فَيَوْمَئِذٍ لَا
 يُعَذِّبُ عَذَابُهُ أَحَدٌ ㉕ وَلَا يُوثِقُ وِثْقَاهُ أَحَدٌ ㉖ يَتَأَيَّنُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ㉗
 أَرْجِعَنِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مُّرْضِيَةً ㉘ فَأَدْخِلْنِي فِي عَبْدِي ㉙ وَأَدْخِلِي جَنَّتِي ㉚

سورة البلد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ ۝١ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ ۝٢ وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ ۝٣ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ۝٤ أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدَرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ۝٥ يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا ۝٦ أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ ۝٧ أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ۝٨ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ۝٩ وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ۝١٠ فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ۝١١ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ۝١٢ فَكُ رَقَبَةً ۝١٣ أَوْ إِطْعَمٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ۝١٤ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ۝١٥ أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ۝١٦ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ۝١٧ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ۝١٨ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ۝١٩ عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤَصَّدَةٌ ۝٢٠﴾

سورة الشمس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا ۝١ وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّهَا ۝٢ وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّهَا ۝٣ وَالَّيْلُ إِذَا يَغْشَاهَا ۝٤ وَالسَّمَاءُ وَمَا بَنَاهَا ۝٥ وَالْأَرْضُ وَمَا طَحَاهَا ۝٦ وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ۝٧ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ۝٨ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ۝٩ وَقَدْ خَابَ مَنْ

دَسَّهَا ﴿١٠﴾ كَذَبَتْ ثُمُودُ بِطَغْوَيْهَا ﴿١١﴾ إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا ﴿١٢﴾ فَقَالَ
لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ﴿١٣﴾ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ
عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا ﴿١٤﴾ وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ﴿١٥﴾ ﴿

سورة الليل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَى ﴿١﴾ وَالنَّهَارُ إِذَا تَجَلَّى ﴿٢﴾ وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ﴿٣﴾ إِنَّ سَعْيَكُمْ
لَشَتَّى ﴿٤﴾ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى ﴿٥﴾ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى ﴿٦﴾ فَسَنِيَرُهُ لِلْيُسْرَى ﴿٧﴾
وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى ﴿٨﴾ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى ﴿٩﴾ فَسَنِيَرُهُ لِلْعُسْرَى ﴿١٠﴾ وَمَا يُغْنِي
عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى ﴿١١﴾ إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى ﴿١٢﴾ وَإِنَّ لَنَا لِلْآخِرَةِ وَالْأُولَى ﴿١٣﴾ فَأَنْذَرْتُكُمْ
نَارًا تَلَظَّى ﴿١٤﴾ لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى ﴿١٥﴾ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿١٦﴾ وَسَيُجَنَّبُهَا
الْأَتْقَى ﴿١٧﴾ الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى ﴿١٨﴾ وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى ﴿١٩﴾ إِلَّا
أَبْنَاءَ وَجْهِ رِبِّهِ الْأَعْلَى ﴿٢٠﴾ وَلَسَوْفَ يَرْضَى ﴿٢١﴾ ﴾

سورة الضحى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ وَالضُّحَى ﴿١﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى ﴿٢﴾ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى ﴿٣﴾ وَالْآخِرَةُ
خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولَى ﴿٤﴾ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى ﴿٥﴾ أَلَمْ يَجِدَكَ
يَتِيمًا فَتَآوَى ﴿٦﴾ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى ﴿٧﴾ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى ﴿٨﴾ ﴾

﴿٨﴾ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ﴿٩﴾ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ﴿١٠﴾ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ﴿١١﴾

سورة الشرح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿١﴾ أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ﴿٢﴾ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ﴿٣﴾ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ﴿٤﴾ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٥﴾ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٦﴾ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ﴿٧﴾ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ﴿٨﴾

سورة التين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿١﴾ وَاللَّيْلِ وَالزَّيْتُونِ ﴿٢﴾ وَطُورِ سِينِينَ ﴿٣﴾ وَهَٰذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ﴿٤﴾ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿٥﴾ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ﴿٦﴾ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٧﴾ فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ ﴿٨﴾ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ ﴿٩﴾

سورة العلق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ ١ ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ﴾ ٢ ﴿أَقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ﴾ ٣
﴿الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ ٤ ﴿عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾ ٥ ﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ﴾ ٦ ﴿أَن رَّاهُ﴾
﴿أَسْتَفْتَى﴾ ٧ ﴿إِنِّي إِلَى رَبِّكَ الرُّجْعَى﴾ ٨ ﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى﴾ ٩ ﴿عَبْدًا إِذَا صَلَّى﴾ ١٠ ﴿أَرَأَيْتَ﴾
﴿إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى﴾ ١١ ﴿أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى﴾ ١٢ ﴿أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى﴾ ١٣ ﴿أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ﴾
﴿يَرَى﴾ ١٤ ﴿كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ﴾ ١٥ ﴿نَاصِيَةٍ كَذِبَةٍ خَاطِئَةٍ﴾ ١٦ ﴿فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ﴾
﴿سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ﴾ ١٨ ﴿كَلَّا لَا تُطَعُّهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ﴾ ١٩ ﴿

سورة القدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ ١ ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ﴾ ٢ ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ﴾
﴿خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ ٣ ﴿نَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾
﴿سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ﴾ ٥ ﴿

سورة البينة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ
 ① رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً ② فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ ③ وَمَا نَفَرَكَ
 الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَةُ ④ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا
 اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ
 ⑤ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا
 أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ⑥ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ
 خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ⑦ جَزَاءُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّتٌ عَدْنٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
 فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ⑧

سورة الزلزلة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ① وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ② وَقَالَ الْإِنْسَانُ
 مَا لَهَا ③ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ④ إِنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا ⑤ يَوْمَئِذٍ
 يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالُهُمْ ⑥ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا
 يَرَهُ ⑦ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ⑧

سورة العاديات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَادِيَتِ صَبَحًا ① فَالْمُورِيَتِ قَدَحًا ② فَالْمُغِيرَتِ صُبْحًا ③ فَأَثَرْنَ بِهِ
نَقْعًا ④ فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا ⑤ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ ⑥ وَإِنَّهُ عَلَى
ذَلِكَ لَشَهِيدٌ ⑦ وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ ⑧ أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا
فِي الْقُبُورِ ⑨ وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ ⑩ إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ ⑪

سورة القارعة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَارِعَةُ ① مَا الْقَارِعَةُ ② وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ ③ يَوْمَ
يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ④ وَتَكُونُ الْجِبَالُ
كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ ⑤ فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ⑥ فَهُوَ فِي
عِشْقِهِ رَاغِبٌ ⑦ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ⑧ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ ⑨
وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَ ⑩ نَارُ حَامِيَةٍ ⑪

﴿ سورة التكاثر ﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ أَلْهَنَكُمْ التَّكَاثُرُ ① حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ② كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ③
ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ④ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ ⑤ لَتَرَوُنَّ
الْجَحِيمَ ⑥ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ⑦ ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ
النَّعِيمِ ⑧ ﴾

﴿ سورة العصر ﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ وَالْعَصْرِ ① إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ② إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ③ ﴾

﴿ سورة الهمزة ﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ① الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ② يَحْسَبُ أَنَّ
مَالَهُ أَخْلَدَهُ ③ كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ④ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ ⑤
نَارُ اللَّهِ الْمَوْقَدَةُ ⑥ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ ⑦ إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَدَةٌ ⑧
فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ ⑨ ﴾

﴿ سورة الفيل ﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ۝١ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ ۝٢ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ۝٣ تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ ۝٤ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ ۝٥ ﴾

﴿ سورة قريش ﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ ۝١ إِيلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ ۝٢ فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ۝٣ الَّذِي أَطْعَمَهُم مِّن جُوعٍ وَءَامَنَهُم مِّنْ خَوْفٍ ۝٤ ﴾

﴿ سورة الماعون ﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ ۝١ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ ۝٢ وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ ۝٣ فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ۝٤ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ۝٥ الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ ۝٦ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ۝٧ ﴾

﴿سورة الكوثر﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ﴿١﴾ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ﴿٢﴾ إِنَّ شَانِئَكَ
هُوَ الْأَبْتَرُ ﴿٣﴾﴾

﴿سورة الكافرون﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿قُلْ يَتَّيِّهَا الْكَافِرُونَ ﴿١﴾ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾ وَلَا أَنْتُمْ
عِبُدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٣﴾ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ
﴿٥﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿٦﴾﴾

﴿سورة النصر﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ﴿١﴾ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ
فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴿٢﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ
تَوَّابًا ﴿٣﴾﴾

﴿ سورة المسد ﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ۝ (١) مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ، وَمَا كَسَبَ ۝ (٢) سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ۝ (٣) وَأَمْرَاتُهُ، حَمَالَةَ الْحَطَبِ ۝ (٤) فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ ۝ (٥) ﴾

﴿ سورة الإخلاص ﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ (١) اللَّهُ الصَّمَدُ ۝ (٢) لَمْ يَكِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝ (٣) وَلَمْ يَكُنْ لَهُ، كُفُوًا أَحَدٌ ۝ (٤) ﴾

﴿ سورة الفلق ﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ۝ (١) مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ۝ (٢) وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ۝ (٣) وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ۝ (٤) وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ۝ (٥) ﴾

سورة الناس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿١﴾ مَلِكِ النَّاسِ ﴿٢﴾ إِلَهِ النَّاسِ ﴿٣﴾
مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ﴿٤﴾ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ
﴿٥﴾ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ﴿٦﴾﴾